

د ادبانت

نشریه علمی دانشجویی انجمن علمی حقوق واحد خواران دانشگاه بین المللی امام رضا علیه السلام

شماره چهارم. سال دوم. پاییز ۱۴۰۳



وکیل مهاجرتی

در این شماره می خوانید:



دادگستری نوین در ایران

جایگاه مصلحت در قانونگذاری

بررسی عسر و حرج زوجه در قانون مدنی

گفتگویی با اعضاء هیئت علمی



شماره چهارم. سال دوم. آذر ۱۴۰۳

صاحب امتیاز: انجمن علمی حقوق واحد خواران دانشگاه
بین المللی امام رضا علیه السلام
مدیر مسئول: دکتر احسان لطفی
سر دبیر: زهرا سادات محسنی موسوی
مدیر اجرایی: زهرا حسن زاده، یکتا طیبی
تایپیست و ویراستار:
زهرا حسن زاده، زهرا سادات محسنی موسوی
هیئت تحریریه: زهرا علیزاده، سحر ظهیری، مهتاب رحمتی
نویسندگان:
عسل ارکیان، نازنین رقیه بیات، کیانا ابراهیمی، مهلا نی آوران،
نوشین زابری، فاطمه صادقی، زهرا مختاریان، فاطمه بیضایی
طراح جلد و صفحه آراء: مائده عرفانی



با تقدیر و تشکر از:

دکتر مصطفی محسنی ثانی

(مدیر گروه حقوق دانشگاه بین المللی امام رضا علیه السلام)

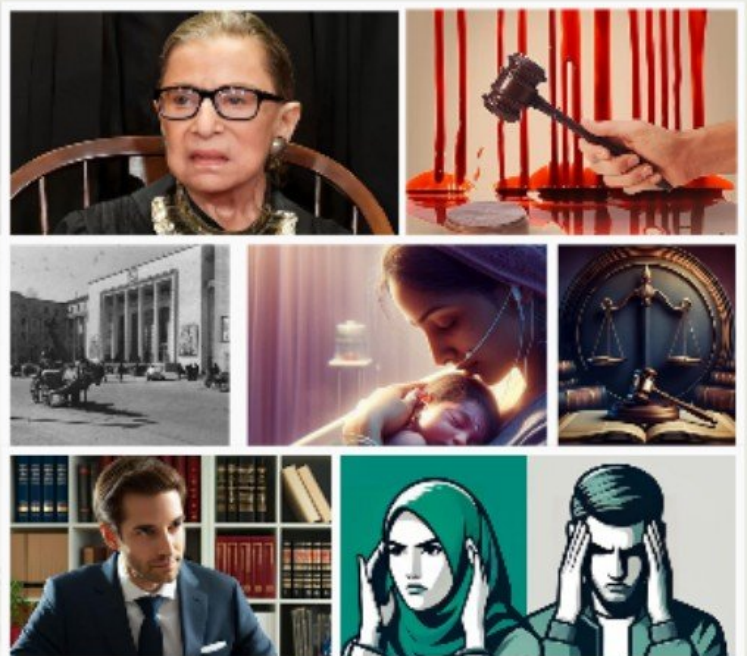
قابل توجه مخاطبان گرامی!

دغدغه مندان رشته های مختلف می توانند سوالات و موضوعات
مدنظر خود را از طریق درگاه ارتباطی زیر با ما در میان بگذارند.
شنوای نظرات سازنده شما هستیم.

  @dadban_lawjournal



- ۱..... سخن نخست
- ۲..... همراه با بزرگان حقوق
- ۳..... روث جوان بیدرگینزبرگ
- ۴..... علمی-تخصصی
- ۷..... تفاوت دیه مرد و زن
- ۱۰..... دادگستری نوین در ایران
- ۱۴..... رحم اجاره ای
- ۱۷..... نشست با اعضاء هیئت علمی
- ۲۴..... جایگاه مصلحت در قانونگذاری
- ۲۶..... وکیل مهاجرت کیست؟
- ۲۹..... بررسی عسر و حرج زوجه
- ۳۲..... معرفی فیلم
- ۳۳..... معرفی کتاب





سخن نخست...

خرد هر کجا گنجی آرد پدید ز نام خدا سازد آن را کلید

به یاری خداوند متعال و همت دوستان، چهارمین شماره نشریه دادبان به صورت الکترونیک منتشر گردید.

بی شک آنچه ما را در این مسیر راسخ تر، موفق تر و دلگرم تر می کند دریافت پیشنهادات، نظرات و انتقادات شما همراهان گرمی است که سر لوحه کار ما خواهد بود تا به توفیق الهی؛ شاهد کیفیت و کارآمدی بیشتری در آثار بعدی باشیم...

در پایان ضمن قدردانی از نویسندگان محترم، از همه کسانی که در امر آماده سازی و انتشار این شماره از نشریه تلاش کردند به ویژه سرکار خانم مهتاب رحمتی (سر دبیر اسبق نشریه)، صمیمانه قدردانی و تشکر می نمایم.

ارادتمند شما

زهرا سادات محسنی موسوی

سر دبیر نشریه دادبان



همراه با بزرگان حقوق

روث جوآن بیدر گینزبرگ
عسل ارکیان
دانشجوی کارشناسی حقوق



قهرمان ملی زنان آمریکا درگذشت!

"هرچه زنان بیشتری بیرون کار انجام بدهند..."

بیشتر جامعه خواهید دید که زنان قادر به انجام چه کارهایی هستند، زنان خواهند دید که چه کارهایی می توانند انجام دهند! و ما همه آسوده تر خواهیم بود!" به حامی خستگی ناپذیر برای تساوی حقوق زن و مرد، او تبدیل به یک اسطوره برای طرفداران حقوق زن شد و دومین زنی بود که در دیوان عالی آمریکا خدمت می کرد. روث پیدر گینزبرگ در سال ۱۹۳۳ میلادی در بروکلین نیویورک در خانواده ای یهودی به دنیا آمد.

مادر روث نقش موثری در تحصیلات روث ایفا می کرد همواره حامی و سوق دهنده ی او به سمت استقلال بود. "قهرمانان من کی هستند؟ وقتی من جوون بودم، زن های زیادی اون بیرون نبودن تا کار انجام بدن، ولی الان بسیاری از زن ها هستند که در تمامی مشاغل و حرفه ها مشغول هستند و نقش و جایگاه خودشون رو در جامعه مستحکم می کنند"

او خواهر بزرگتر خود را در کودکی از دست داده بود و دقیقا یک روز بعد از فارغ التحصیلی او از دبیرستان، در سن ۱۵ سالگی، مادرش در اثر یه جنگ طولانی مدت با سرطان در گذشت. به دلیل تنش ایجاد شده ناشی از فقدان مادر روث در ابتدا نتوانست تحصیل خود را ادامه دهد، سپس خانواده تصمیم گرفتند برادر او را به دانشگاه بفرستند.

در سن ۲۱ سالگی، دانشگاه کورنل را به پایان رساند، در حالی که شاگرد اول دانشگاه بود. یک ماه بعد او با مارتین گینزبرگ ازدواج کرد و یک سال بعد، این زوج جوان اولین فرزند خود را (جین) داشتند. در سال ۱۹۵۶ گینزبرگ در دانشگاه هاروارد به عنوان یکی از ۹ زنی که در یک کلاس ۵۰۰ نفر در کنار مردان حضور یافت. روث بیان می کرد که زن های دانشجو در هاروارد توسط رئیس دانشگاه به خاطر گرفتن جایگاهی که می توانست متعلق به یک مرد باشد به سخره گرفته می شدند.

من این رو فهمیدم که وکیل بودن خیلی چیز زیرکانه ایه! امیدوارم بوم که یه کاری پیدا کنم که بتونم در آمد داشته باشم، و همچنین، زمانم رو صرف این کنم که یکم اوضاع رو در جامعه ای که زندگی می کردم بهتر کنم. " بعد از اینکه همسرش در نیویورک مشغول به کار شد، وی بخاطر همراهی با همسرش به دانشکده ی حقوق کلمبیا انتقال گرفت و توانست با بهترین نمرات فارغ التحصیل شود. بعد از دانشکده ی حقوق او تلاش بسیاری کرد تا شغل پیدا کند ولی تمام درخواست های او به خاطر اعتبار و آبروی موسسات مشاوره ی حقوقی رد شد... فقط چون، او یک زن بود!



"از دانشکده ی حقوق در سال ۱۹۵۹ فارغ التحصیل شده بودم. اصلاً کار قضاوت به ذهنم خطور نکرده بود چیزی که می خواستم یه شغل در ارتباط با قانون بود... هر شغلی! هیچ قانون نوشته شده ای در این باره وجود نداشت اما مردم خیلی صادقانه می گفتن که خانمی که وکیل باشه نمی خوان."

اما در پایان تمامی تلاش هایش روث به تدریس روی آورد و رویای وکالت را کنار گذاشت و در سال های ۱۹۶۳ تا ۱۹۷۲ به تدریس در مدرسه ی حقوق راجرز پرداخت. و سرانجام توانست در سال ۱۹۷۲ به اولین پروفیسور زن در هیئت علمی دانشکده حقوق کلمبیا که آیین دادرسی مدنی تدریس می کرد تبدیل شود و تا سال ۱۹۸۰ در این جایگاه باقی ماند. همچنان با این اوصاف، روث بسیار محتاطانه عمل می کرد. به طوری که مجبور شده بود در دوران بارداری فرزند دوم خود لباس های آزادی بر تن کند تا بتواند علائم ظاهری بارداری را در دانشگاه مخفی کند چراکه دانشگاه علاقه ای به فعالیت یک زن باردار به عنوان استاد را نداشت!

قابل ذکر است که در دهه ی ۱۹۷۰ گینزبرگ به عنوان رئیس پروژه ی حقوق زنان فعالیت می کرد و مسئول پروژه ی حقوق زنان در «اتحادیه ی آزادی های مدنی آمریکا» شده بود. با افتخار در ۶ پرونده ی تاریخی با موضوع تساوی حقوق زن و مرد دفاع کرد و در پنج پرونده برنده شد!

از مشهورترین پرونده های او در ایالت آیداهو، موکلش (سالی رید) در جریان جدایی از همسرش بود که پسر آنها از دنیا رفت، قانون آیداهو به شکل خودکار پدر را مسئول و وارث دارایی های فرزند متوفی می کرد و سهمی برای مادر قائل نمی شد. گینزبرگ بحث را به متمرکز ۱۴ قانون اساسی آمریکا کشاند که تأکید دارد همه ی شهروندان ایالات متحده ی آمریکا از امتیازها و حقوق برابر باید برخوردار باشند و با استناد به این متمرکز، ایالت آیداهو را متهم کرد که حق امتیاز برابر شهروند آمریکایی را به دلیل تبعیض جنسیتی، زیر پا می گذارد. دادگاه عالی آمریکا به نفع سالی رید رأی را صادر کرد و این اولین پیروزی روث بود که حتی خود او هم انتظارش را نداشت!

در دفاعی دیگر در سال ۱۹۷۳ گینزبرگ وکالت پرونده ی شارون فرانت افسر نیروی هوایی آمریکا را گرفت.

نیروی دریایی حاضر نبود مثل افسران مرد، همسر شارون را هم مشمول بیمه ی درمانی و حق مسکن کند، گینزبرگ در دفاعیه ی مشهوری که برای دفاع از این پرونده در برابر دادگاه عالی نوشت، مسئله را به بحث تاریخی فرودست دانستن زنان کشاند، که این متن دفاعیه ی گینزبرگ در این پرونده حالا به عنوان یکی از متون کلاسیک حقوقی در دفاع از حقوق نقض شده بر مبنای جنسیت تدریس و یادآوری می شود. دفاع او طوری کامل و محکم بود که ۹ قاضی مرد بعد از پایان اظهارات او سکوت کرده و در نهایت رأی به نفع او صادر کردند. گینزبرگ بعدها گفت پرونده ی محبوب او در این سال ها، پرونده ای بود که همسر استفان ویزنفلد هنگام وضع حمل از دنیا رفت و پدر با نوزاد پسر تازه متولدشده تنها ماند. استفان ویزنفلد به اداره ی تأمین اجتماعی رفت تا برای نوزاد تازه متولد شده تقاضای کمک هزینه کند. اداره ی امور اجتماعی درخواست را رد کرد، چون استفان مرد بود و تأمین اجتماعی فقط به زنی که همسر خود را دست داده و سرپرست خانوار شده بود، کمک مالی می کرد. گینزبرگ موفق شد دادگاه عالی را قانع کند تأمین اجتماعی جنسیت ندارد، خدماتش متعلق به همه شهروندان بوده و این مسئله مصداق تبعیض جنسیتی برای مردان است. در نهایت پس از تمام تلاش های او و چشیدن طعم شیرین وکالت در طی چند سال، روث در سال ۱۹۸۰ در سن ۴۷ سالگی توسط رئیس جمهور وقت، جیمی کارتر در دادگاه فرجام خواهی واشنگتن آمریکا منصوب شد.





بعد از ۲۷ سال سابقه در دادگاه عالی رتبه، در سن ۸۷ سالگی روث گینزبرگ در سپتامبر ۲۰۲۰، به دلیل سرطان پیشرفته ی لوزالمعده که همانند مرگ مادرش مورد انتظار بود... درگذشت. قبل از مرگش در آخرین مصاحبه، او بیان می کند که رئیس جمهور منتصب ۲۰۲۰ باید جانشین او را انتخاب کند!

یک هفته بعد، بعد از بحث کردن ها و مناقشات بسیار در کنگره رئیس جمهور دونالد ترامپ، ایمی کانوی برت رو منصوب کرد تا به جای او بر روی صندلی بنشیند.

گینزبرگ یکی از پیشگامان تساوی حقوق زن و مرد بود که برایش بسیار جنگید و مردم، مخصوصا زنان آمریکایی او را بسیار دوست می داشتند.

زیرا اظهار نظرات کوبنده ی او و شجاعت او در صحنه های حقوقی و در پرونده های مختلف که ابتدا از حقوق زنان شروع شده بود نشان از زنی می داد که یک تنه رو به روی افکار قدیمی و تعصبات بی دلیل در رکاب تغییرات بنیادی جامعه ی آمریکایی می ایستاد و شجاعانه حرف می زد.

از او تصویری به عنوان یک فمینیست رادیکال و پیشرو ساختند که فراتر از سابقه ی واقعی و کارنامه ی بیدر گینزبرگ بود. روث بیدر گینزبرگ هرگز رادیکال نبود، خود را فمینیست معرفی نمی کرد، باور داشت که زنان تحت تبعیض جنسیتی اند، همزمان باور داشت مردان نیز تبعیض بر مبنای جنسیت را تجربه می کنند! به عمق جان تنها باور به «اصلاحات تدریجی و آرام و آهسته» داشت.

او زنی بود حقوق دان، اندیشمند، متخصص، مصمم، مستقل و تأثیرگذار. اما اگر دنبال قهرمان زنان فمینیست می گردید، نشانی غلط است و بیدر گینزبرگ آن زن نیست! از دست دادن ایشان برای مردم آمریکا و شاید مردم جهان ضربه ی عظیمی بود، باشد که دیگر بانوان نیز راه ایشان را بپیمایند.



"رئیس جمهور کارتر اطرافش رو نگاه کرد و گفت : این قضات فدرال رو می بینم و اونا همشون شکل منن! سفیدن و مردن! ولی این ، طوری نیست که آمریکای بزرگ به نظر میاد !"

و طولی نکشید که سال ۱۹۹۳ تبدیل شد به دومین زن در دیوان عالی بعد از ساندرا دی اوکانر. بیل کلینتون، رئیس جمهور دموکرات وقت آمریکا او را به عنوان یکی از قضات دیوان عالی برگزید "زمنه عوض شده، رئیس جمهور اینو ثابت کرده با منصوب کردن من!"

گینزبرگ همانطور که با قانون و افراد اجرا کننده ی قانون همراه می شد، و گام های کوچک و سنجیده ای در راه اصلاح آن بر می داشت، به عنوان صدایی قوی بود برای افراد خواهان تساوی بین مرد و زن، حق کارگران، جدا سازی دین و حکومت بود. رای های مخالف بسیار برجسته او بر روی تصمیمات دادگاه ها به هموار کردن مسیر او به عنوان یک سمبل فرهنگی و برای الگوی جوانان شدن کمک فراوانی کرد.



علمی-تخصصی

تفاوت ديه زن و مرد

دادگستری نوین در ایران

رحم اجاره ای



تفاوت دیه زن و مرد

مهلا نی آوران
دانشجوی کارشناسی ارشد
حقوق خصوصی

این گروه معتقدند، دیه برای جبران ضرر و زیان های بدنی تعیین شده است. از این رو، از دیه به عنوان (غرامت مالی) تعبیر آورده اند. در دیدگاه این گروه دیات، ضمان مدنی است.

یعنی دیه، خواه در عوض قتل یا ضرب و جرح عمدی باشد که اولیای دم با مصالحه با جانی به جای قصاص خواستار آن گردیده اند و خواه در قبال قتل یا ضرب و جرح شبه عمد یا خطا باشد، در هر صورت جنبه مدنی دارد و خسارت است.

۲- مجازات بودن دیه:

عده ای از حقوق دانان به مجازات بودن دیه معتقدند از نظر این گروه دیه صرفاً یک کیفر جزایی است. البته باید بیان کرد طبق این دیدگاه، دیه در جنایات شبه عمد و خطا، کیفر اصلی مرتکب است ولی در جنایات عمد، اگر اولیای مقتول یا شخص مجنی علیه با جانی به جای قصاص، در پرداخت دیه توافق و مصالح کنند، کیفر بدلی شمرده می شود.

۳- ماهیت دوگانه دیه:

در میان حقوق دانان، عده ای هم هستند که معتقدند دیه ذو جنبتین است. یعنی هم جنبه کیفری دارد و مجازات مجرم است و هم جنبه مدنی دارد و جبران ضرر و زیان مجرم را می کند.

امروزه تفاوت دیه زن و مرد یکی از مسائل مهمی است که در قوانین ایران بحث برانگیز بوده و شبهات زیادی در اذهان ایجاد کرده است به همین رو در این مقاله به بررسی ماهیت دیه و مبانی تفاوت دیه زن و مرد خواهیم پرداخت.

«تعریف دیه و موارد آن»

ماده ۴۸۸ قانون مجازات اسلامی:

دیه مقدر، مال معینی است که در شرع مقدس به سبب جنایت غیرعمدی بر نفس، عضو یا منفعت، یا جنایت عمدی در مواردی که به هر جهتی قصاص ندارد، مقرر شده است.

ماده ۴۸۹ قانون مجازات اسلامی:

ارش، دیه غیرمقدر است که میزان آن در شرع تعیین نشده است و دادگاه با لحاظ نوع و کیفیت جنایت و تاثیر آن بر سلامت مجنی علیه و میزان خسارت وارده با در نظر گرفتن دیه مقدر و با جلب نظر کارشناس میزان آن را تعیین می کند. مقررات دیه مقدر در مورد ارش نیز جریان دارد مگر اینکه در این قانون ترتیب دیگری مقرر شود.

«ماهیت دیه»

۱- خسارت بودن دیه:

در میان حقوق دانان عده ای قائل اند که دیه ماهیتی صرفاً مدنی دارد.



مستند به ماده ۵۶۰ قانون مجازات اسلامی:

دیه زن و مرد در اعضا و منافع تا کمتر از ثلث دیه کامل مرد یکسان است و چنانچه ثلث یا بیشتر شود دیه زن به نصف تقلیل می یابد. در واقع دیه ی زن و مرد در اعضا، مادامی که به ثلث نرسیده باشد مساوی است اما زمانی که دیه ی جراحت زن به یک سوم دیه ی مرد برسد دیه ی زن نصف دیه ی مرد می شود که با رد تفاوت آن به مرد جانی، می توانند او را قصاص نمایند.

برای بررسی و تبیین این موضوع که میزان دیه ی زن و مرد براساس قانون چه مقدار است باید گفت که قانونگذار برای حمایت از زنان علی الاصول زنان سرپرست خانواده، قانونی را تصویب کرد تا از طریق بیمه، زن و مرد دارای دیه یکسان باشند که این موارد عبارتند از:

۱- براساس قوانین جدید در قانون بیمه شخص ثالث، شرکت های بیمه و صندوق تأمین خسارت های بدنی موظف به پرداخت دیه زن و مرد به مقدار یکسان شده اند. اما باید توجه داشت که این قانون صرفاً مربوط به حوادث رانندگی و شرکت های بیمه می باشد. در واقع بیمه کننده موظف است، در ایفای تعهدات درج شده در این قانون، خسارت وارده را بدون در نظر گرفتن جنسیت و دین، تا سقف تعهدات بیمه آن را پرداخت نماید. مراجع قضائی موظف اند در انشای حکم پرداخت دیه، مبلغ مازاد بر دیه موضوع این ماده را به عنوان بیمه حوادث درج کنند.

این قانون به صورت آزمایشی در ابتدا اجرا شد و سپس با تأیید ماده ۱۰ قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسیله نقلیه موتوری زمینی در مقابل اشخاص ثالث از سوی شورای نگهبان پرداخت دیه برابر برای زن و مرد از سوی بیمه، دائمی شد.

این گروه دیه را نهاد حقوقی مستقل و جداگانه ای می دانند که نه در گروه مجازات های صرف می گنجد و نه در حیطه ضمان های مدنی و جبران خسارت های صرف.

النهایه می توان بیان داشت که در قانون جدید مجازات اسلامی برای دیه ماهیتی دوگانه فرض شده است. چرا که ذکر دیه در کنار مجازات هایی چون قصاص و تعزیر همچنان که در ماده ۱ قانون مجازات اسلامی آمده دلیل بر مجازات دانستن دیه بوده و از طرفی در ماده ۴۵۲ به صراحت بیان می کند که دیه احکام و آثار مسئولیت مدنی و ضمان را دارد و این نشانگر این است که برای دیه ماهیتی غرامتی و ضمان گونه نیز قائل شده است. با پذیرش این نظر مسائل مبتنی بر بحث امکان مطالبه خسارت مازاد بر دیه نیز به آسانی نیز حل خواهد شد. می توان بیان کرد که دیه مقرر شده در شرع، چنانچه تکافوی خسارات وارد شده بر مجنی علیه یا اولیای وی را بنماید، امکان مطالبه وجهی افزون بر مقدار دیه نخواهد بود، چرا که در این صورت، اهداف وضع دیه که اعم از جنبه کیفری و مدنی است، تأمین گشته است. اما اگر خسارات و زیان های وارد شده بر زیان دیده بیش از مقدار دیه باشد، از آنجا که میزان دیه مقرر شده در شرع، نتوانسته یکی از اهداف وضع دیه، یعنی جبران خسارت کامل مجنی علیه یا اولیای وی را تأمین کند، با تمسک به قواعد عام مسئولیت مدنی و اینکه هیچ خسارتی نباید جبران نشده باقی بماند، زیان دیده می تواند تا میزان جبران کامل خساراتش افزون بر مقدار دیه، مطالبه خسارت کند.

میزان دیه زن و مرد:

با وجود تأکید دین اسلام بر برابری حقوق افراد، قانون مجازات اسلامی حاوی مقررات متفاوتی درباره زن و مرد می باشد که برخی در مورد زنان جنبه حمایتی دارد و برخی دیگر مانند سن مسئولیت کیفری، شهادت، دیه و قصاص به ظاهر تبعیض آمیز است. بر اساس ماده ۵۵۰ قانون مجازات اسلامی، دیه قتل زن نصف دیه مرد است و علت آن علاوه بر برخی دلایل فقهی، تفاوت جایگاه اجتماعی و اقتصادی زنان در برابر مردان ذکر شده است.



۱- دیه نفس:

فقهای شیعه، دیه جنایت بر زن مسلمان را نصف دیه مرد دانسته اند. به گفته ی شیخ مفید، اگر زنی به دست مردی کشته بشود، در صورتی که موجب دیه شود، قاتل باید نصف دیه را بپردازد. همچنین سایر فقها نظیر امام خمینی (ره) و آیت الله خویی، نیز همین نظر را دارند.

۲- دیه اعضا:

در صورتی که مقدار دیه زن به یک سوم دیه کامل نرسیده باشد، از نظر فقیهان شیعه، دیه زن و مرد برابر است.

کلام آخر:

دیه مالی است که برای جنایت بر نفس یا عضو از طرف شارع مقرر گردیده است و یکی از بحث برانگیزترین مباحث این حوزه، نابرابری دیه زن و مرد بر اساس دیدگاه مشهور فقهاست که در قانون مجازات اسلامی هم نیز در مواد مختلف در جهت حل مشکلات عملی ناشی از عدم تساوی دیه زن و مرد، راهکارهایی چون پرداخت ما به التفاوت دیه زنان نسبت به دیه کامل از صندوق تأمین خسارات بدنی و نیز پرداخت فاضل دیه جهت اجرای قصاص نفس قتل زنان در برخی شرایط را از بیت المال پیش بینی نموده است. لکن مسأله اصلی در خصوص نابرابری دیه زن و مرد همچنان پابرجاست.

منابع:

۱- زاهد، علی، تبیین ماهیت دیه در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۰۲/۰۱، فصلنامه علمی تخصصی بلاغ مبین، ۱۳۹۴.

۲- اسدی حسن آبادی، تفاوت دیه زن و مرد از نظر فقه و مبانی حقوق، نشریه علمی فقه، حقوق و علوم جزا، ۱۴۰۱.

۳- عباسی، عاطفه، نقد و بررسی نابرابری دیه زن و مرد در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، نشریه پژوهش نامه زنان، ۱۳۹۶.

۴- دباغ، نازیلا، بررسی فقهی و حقوقی تفاوت دیه ی زن و مرد از منظر تبعیض علیه زنان، فصلنامه تحقیقات نوین میان رشته ای حقوق، ۱۴۰۱.

۵- مهرپور، حسین، بررسی تفاوت دیه زن و مرد در قانون مجازات اسلامی و مبانی فقهی آن، نشریه پژوهشنامه متین، ۱۳۷۸.



۲- مطابق تبصره ماده ۵۵۱ قانون مجازات اسلامی:

در کلیه جنایاتی که مجنی علیه مرد نیست، معادل تفاوت دیه تا سقف دیه ی مرد از صندوق تأمین خسارت های بدنی پرداخت می شود.

بنابراین در حال حاضر، در کلیه جنایات واقع شده اعم از این که ناشی از حوادث رانندگی بوده یا غیر از آن باشد، در صورتی که مجنی علیه یا همان شخصی که جنایت بر او واقع شده، مرد نبوده و در نتیجه دیه تعلق گرفته به وی کمتر از دیه کامل یک مرد باشد، تفاوت دیه وی تا دیه کامل یک مرد، توسط صندوق تأمین خسارت های بدنی پرداخت می شود. این ماده از مهم ترین اقدامات قانونگذار در جهت تأمین دیه برابر برای زن و مرد می باشد.

مطابق رای وحدت رویه شماره ۷۷۷ مورخ ۱۳۹۸/۰۲/۳۱:

حکم مذکور در تبصره ماده (۵۵۱) اعم از این است که جنایت ارتكابی جنایت بر نفس باشد یا جنایت بر عضو یا منفعت. به عبارتی هم در جنایت بر نفس و هم در جنایت بر عضو و هم در جنایت بر منفعت در صورتی که دیه زن نصف دیه مرد باشد تفاوت دیه تا سقف دیه مرد، از صندوق تأمین خسارت های بدنی جبران می شود.

برای پرداخت دیه، طبق قانون، زمان بندی مشخصی وجود دارد. باید براساس زمان بندی که در قانون تعریف شده عمل شود، یا این که دو طرف با یکدیگر در این زمینه توافقی داشته باشند. همچنین، با توجه به آن که دیه کامل انسان هر سال با سال قبل از آن متفاوت است، میزان دیه در زمان پرداخت باید با توجه به نرخ دیه در آن زمان، مالک عمل قرار گیرد.

تفاوت دیه زن و مرد از منظر فقها

در فقه، دیه زن به دو صورت مورد بررسی قرار گرفته است. دیه نفس که مقدار دیه کامل زن و مرد است و دیه عضو.





دادگستری نوین در ایران

نوشین زایری
دانشجوی کارشناسی ارشد
حقوق خصوصی



عدلیه نوین بعد از مشروطه:

بعد از پیروزی انقلاب مشروطه با تدوین متمم قانون اساسی و قانون اصول تشکیلات عدلیه، مصوب سال ۱۳۲۹ بنیان عدلیه جدید پی ریزی شد. به طور کلی، تشکیل دولت مدرن در ایران گامی در جهت رسمی کردن تدریجی محاکم غیر رسمی بود. اصول ۷۳ و ۷۴ تعیین محاکم به حکم قانون را مجاز دانست و تشکیل محاکم بر خالف قانون را ممنوع کرد و به اتکا و استناد قانون انواع محاکم اعم از محکمه صلح، ابتدایی، استیناف، تجارت، نظام، جنایی و... تشکیل شد و ساز و کار آنها مشخص گردید.

نقاط ضعف عدلیه (نابسامانی نهاد دادرسی):

بدون تردید اگر در دوران قبل از مشروطه عدلیه واقعی وجود داشت که بیدادگری اعمال دولتی و شاهزادگان قاجار را مهار می کرد و در جهت احقاق حقوق عمومی و استقرار عدالت گامی بر می داشت دامنه نارضایتی های عمومی کاهش می یافت و شاید یکی از زمینه های اصلی انقلاب مشروطه به کلی از بین می رفت اما نبود عدلیه واقعی و آشفتگی امر قضاوت سبب نارضایتی عمومی شد تاجایی که تمام طبقات جامعه از توده ها و دهقانان گرفته تا تجار و علما همگی متقاضی استقرار عدلیه شدند آشفتگی و نابسامانی امر قضاوت شرعی در دو بعد قضاوت شرعی و قضاوت عرفی را می توان یکی از عوامل زمینه ساز ایجاد عدلیه نوین دانست.

دوره پهلوی نخست به دلیل حاکم بودن جریان نو گرایی بر آن، با تحولات متعددی در زندگی اجتماعی مردم و نهاد های سنتی و سازمان های جدید همراه بود. تجربه ی نوسازی در اروپا از سوی سایر دولت ها، به ویژه کشورهای شرقی و از جمله ایران مد نظر قرار گرفت. دوره پهلوی اول به دلیل سرعت عمل رضا شاه در امر نوسازی، به نوعی سرآمد سایر دوره ها در این زمینه است. انحلال عدلیه و پایه گذاری دادگستری نوین در دوره پهلوی، از جمله برنامه های این دوره است که اگر چه پیش از آن و در دوره قاجاریان برای تحول آن گام هایی برداشته شده بود، به دلیل فراگیر بودن پیامد های آن در جامعه، مورد توجه گروه های مختلف اجتماعی قرار گرفت.

عدلیه:

در دوران قاجاریه و زمان ناصر الدین شاه سیستم قضایی عدلیه شکل گرفت و در دیوان خانه به شکایات و اختلافات مردم رسیدگی می شد شکایات و دعاوی حقوقی توسط روحانیون و مجتهدین رسیدگی می شد و دعاوی غیر حقوقی توسط مقامات دولتی حل و فصل می شد در شهرستان ها نیز امور حقوقی را علما و امور جزایی و انتظامی را حکومت ها حل و فصل می کردند. رئیس دیوان خانه توسط شاه منصوب می شد.

سیستم قضایی ایران در عصر قاجاریه در سه مقطع مورد بازنگری قرار گرفت:

- ۱- در عصر میرزا تقی خان امیر کبیر
- ۲- در عصر میرزا حسین خان مشیرالدوله
- ۳- در تحولات جنبش مشروطه که این مرحله منجر به تشکیل عدالتخانه شد



زمینه ها و دلایل تغییر ساختار و انحلال عدلیه در دوره پهلوی:

پس از مشروطه نیز اوضاع ایران بنا به دلایل متعدد، دچار آشفتگی ها و ناامنی هایی در برخی عرصه ها شد؛ از جمله دستگاه قضایی با نابسامانی های متعددی مواجه شد که به دنبال آن بسیاری از قوانین معطل می ماند و دستگاه مجری نیز کار آمدی لازم را برای اجرای احکام صادر شده نداشت به این ترتیب و به تدریج، زمینه برای ظهور حکومتی اقتدار گرا و نیز تشکیل عدلیه ی مدرن به سبک دادگاه های غربی فراهم شد.

آرمان عدالت خواهی که در دوره مشروطه در صدر درخواست های مردم و علما قرار داشت و اجرایی شدن آن بر نیرومندی دستگاه قضایی و استقلال آن بر حاکمیت سیاسی متکی بود، با وجود مجلس و تصویب برخی قوانین، آن چنان که مطلوب درخواست کنندگان بود، به وقوع نپیوست.



روند انحلال عدلیه

در مرحله ی سوم به وسیله ی علی اکبر خان داور:

داور پس از انحلال عدلیه، از مجلس تقاضای اختیارات کرد که شامل قانونگذاری، استخدام، انتصاب و مواردی دیگر بود. با وجود آنکه عده ای از نمایندگان مجلس این اختیارات را در مغایرت با متمدن قانون اساسی می دانستند، در خواست او با اکثریت آرا به تصویب رسید. داور کار خود را آغاز کرد. عدلیه ی جدید در اردیبهشت ۱۳۰۶ خورشیدی به شکلی ناقص آغاز به کار کرد. داور چنان در انحلال عدلیه شتاب کرد که در ۲۰ بهمن ۱۳۰۵ و پیش از آنکه به مجلس معرفی و دارای اختیارات قانونی شود، عدلیه را منحل کرد. مدتی بعد در ۲۷ بهمن همان سال، لایحه ای را با قید دو فوریت با موضوع اصلاح دادگستری به مجلس شورای ملی تسلیم کرد و در نهایت به تصویب اکثریت مجلس رسید. لایحه به منظور اصلاحات قضایی به وزیر عدلیه اختیار مطلق می داد که پس از انحلال عدلیه ی موجود، برای تشکیل دادگاه های تازه تا چهار ماه به استخدام قضات صالح بپردازد. داور با پشتیبانی آشکار مجلس فعالیت خود را آغاز کرد. از بهمن سال ۱۳۰۵ تا اردیبهشت سال ۱۳۰۶، با آغاز تشکیلات نوین قضایی و اصلاح قانون اصول محاکمات، عدلیه ی جدید طی مراسمی رسمی در حضور رضاشاه پهلوی در کاخ برلیان در پنجم اردیبهشت ۱۳۰۶ افتتاح شد.

روند عرفی سازی نظام قضایی با روی کار آمدن حکومت پهلوی سرعت یافت. این مأموریت بر عهده علی اکبر خان داور بود. او که تحصیل کرده دارالفنون بود، به نمایندگی ششمین دوره مجلس شورای ملی برگزیده شد، همچنین در اواخر سال ۱۳۰۵ خورشیدی در ترمیم کابینه حسن مستوفی به وزارت عدلیه منصوب شد و تغییرات مهمی در دادگستری ایران به وجود آورد. یکی از مهم ترین اقدامات او، انحلال عدلیه بود. در واقع سومین انحلال عدلیه در زمان داور و در دومین سال سلطنت رضا شاه صورت گرفت و چندی بعد، دادگستری نوین تأسیس شد.



بازخورد انحلال عدلیه در میان نخبگان سیاسی:

مخالفان انحلال عدلیه از میان نخبگان سیاسی و نمایندگان مجلس شورای ملی بودند. افرادی مانند دکتر مصدق، به انگیزه دفاع از اساس مشروطیت با اصلاحات پیشنهادی داور مخالفت کردند. آنها هنگام طرح لایحه ی اختیارات وزیر عدلیه، اعتراض و به اقدامات داور نقد کردند و با استناد به اصل «تعطیل بردار نبودن نظام مشروطه»، از قانونی نبودن انحلال عدلیه سخن گفتند؛ زیرا قانونگذار نمی توانست اختیارات قانونگذاری را به قوه مجریه تفویض کند؛ بنابراین قوه مجریه نتوانست به تصویب قوانین لازم برای انحلال عدلیه و تأسیس تشکیلات دادگستری نوین بپردازد علاوه بر مصدق، دو نماینده دیگر به نام های آقا سید یعقوب انوار و میرزا سید احمد بهبهانی در رأس مخالفان قرار داشتند ولی مخالفت این سه نفر تأثیری در تصویب اختیارات داور برای تجدید تشکیلات دادگستری نداشت.

دلایل انحلال عدلیه توسط داور:

۱. همسو کردن عدلیه با تغییرات جدید در مملکت، روی کار آمدن رضا خان موج وسیعی از تغییرات در زمینه های مختلف به وجود آورد که یکی از جهت گیری های کلی این تغییرات را می توان تثبیت حکومت مطلقه استحکام هر چه بیشتر دیکتاتوری رضاخان ذکر کرد.

۲. ایجاد دادگستری نوین بعد از انحلال عدلیه نوبت تجدید بنای عدلیه و ایجاد دادگستری نوین بود داور در مجلس اظهار داشت می خواهیم یک عدلیه دنیا پسند درست کنیم نه عدلیه خودمانی پسند این امر تنها اندیشه داور نبود بلکه با روی کار آمدن رضاخان موجی از تجدید و تغییرات در کلیه سازمان های دولتی آغاز شد.

۳. اصلاحات اقتصادی نیازمند سرمایه های داخلی و خارجی بود که بدون امنیت قضایی و اصلاحات قضایی امکان پذیر نبود.

دادگستری نوین:

با وجود قوانینی که وجود داشت دادگستری به لحاظ تشکیلات همچنان سر و سامان درستی نداشت و با مسائل و مشکلات متعددی مواجه بود. بحران سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور در سال های بعد از مشروطه هم بر مشکلات آن می افزود.

در دوره پهلوی، به تبعیت از ایده های تأسیس دولت مدرن، تمرکز گرایی، رسمی کردن محاکم قضایی و عرفی سازی و گسترش دیوان سالاری سرعت بیشتری گرفت. لزوم الغای کاپیتولاسیون هم عامل دیگری بر تسریع در نوسازی دادگستری بود. علی اکبر داور، در دوره سلطنت رضا شاه، گام مهمی در زمینه نو سازی دادگستری و تحدید محاکم شرعی برداشت. به دنبال تصویب قانون ۵ اردیبهشت ۱۳۰۶ دادگستری منحصرأ در دست دولت قرار گرفت. بر اساس پروژه دولت مطلقه، نوسازی و یکپارچه سازی دادگستری مد نظر قرار گرفت. تشکیلات اداری و محاکم مختلف سازماندهی و قضات از میان تحصیل کرده های حقوق جدید استخدام شدند. در دوره پهلوی دوم روند اصلاحات قضایی، به ویژه در دولت دکتر مصدق، ادامه یافت و اقداماتی همچون اصلاح سازمان و تشکیلات دادگستری، اصلاح قوانین قضایی و تلاش برای استقلال قضات و کاهش اقتدار محاکم خاص همچون محاکم نظامی انجام شد. با این حال، این اصلاحات بعد از مصدق عقیم ماند.

اهمیت نقش داور در ایجاد و تحول دادگستری نوین به قدری است که مارا ناچار می سازد همان گونه که داور را بنیانگذار دادگستری شناختیم و در جای خود اقدامات او را ستودیم اما بسیاری از نارسایی های دستگاه قضایی در دوره رضا خان را می توان به او منتسب کرد، داور در قلمرو استقلال قضایی با تفسیری که در اصل ۸۲ قانون اساسی به عمل آورد استقلال دستگاه قضایی را نابود کرد و در مورد وضع قوانین حقوقی و قضایی و تصمیم گیری های مهم با درخواست اختیارات از مجلس برای خود و برای کمیسیون قوانین عدلیه نوعی استبداد قضایی ایجاد کرد و خواست و اراده خود را بر دستگاه قضایی تحمیل کرد با ایجاد محاکم اختصاصی از قبیل دیوان جزایی اعمال دولت و دیوان دادرسی دارای صلاحیت عام دستگاه قضایی را از بین برد و زمینه نفوذ قوه مجریه در قوه قضاییه را مساعد کرد.



جمع بندی:

در روند تاریخی نظام قضایی ایران نهضت مشروطه سرآغاز حیات عدلیه قانونی، تدوین قانون اساسی و متمم در ایران است. با تشکیل مجلس شورای ملی و شروع نهضت قانونگذاری، تصویب قوانین حقوقی در اولویت قرار گرفت. نظام قضایی در دوره مصدق در معرض تغییرات قرار گرفت ولی این اصلاحات دوامی نداشت و پس از کودتای ۲۸ مرداد غالباً از اعتبار ساقط شد. بعد از کودتای ۲۸ مرداد و تثبیت قدرت شاه و شروع دوره استبداد، دادگستری در معرض نفوذ و مداخله دربار قرار گرفت. محاکمه دکتر مصدق و همکاران او از پر سر و صداترین محاکماتی بود که در دادگاه نظامی صورت گرفت. احیای کاپیتولاسیون گسترده عاملی کوثر در نقض استدلال قوه قضاییه بود.

از لحاظ ساختاری در فاصله های ۱۳۲۲ تا ۱۳۵۷ خانه ها، انصاف و شوراها، داوری به دنبال انقلاب سفید موسوم به انقلاب شاه و مردم ایجاد گردید. دادگاه های خانواده و اطفال بزهکار به سازمان قضایی اضافه شد و قوانین حقوقی و قضایی به منظور انطباق با نیاز جامعه در معرض اصلاحات قرار گرفت.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ قوه قضاییه همانند سایر قوا در فاصله سال های ۱۳۵۷-۱۳۶۱ دوره انتقال از نظام سابق به نظام قضایی جدید را پشت سر گذارد بعد از سال ۱۳۶۱ نظام قضایی اسلامی از حیث قوانین و تشکیلات تثبیت شد و با اصلاح قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ و تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب در سال ۱۳۷۳ نظام قضایی انقلاب مورد بازنگری قرار گرفت.

منابع:

- ۱- تحویل‌داری، حسینعلی؛ حسینی، سید سعید؛ احمدوند، عباس، واکنش ها به انحلال عدلیه و پایه گذاری دادگستری نوین در ایران؛ بررسی اسنادی. نشریه میراث فرهنگی ۱۳۹۹
- ۲- رضا بیگدلو؛ خانه های انصاف، نوسازی قضایی یا بازگشت به سنت های دادرسی ۱۳۹۹
- ۳- قدیر نظری؛ مقاله خلاصه تحول نظام قضایی ایران
- ۴- سفیری، محمد علی، انگیزه داور در انحلال عدلیه چه بود؟ دادگستری نوین چگونه به وجود آمد؟ نشریه حقوق مردم ۱۳۵۰
- ۵- مقاله دادگستری نوین در ایران





رحم اجاره ای

فاطمه صادقی
دانشجوی کارشناسی حقوق



قرارداد رحم اجاره ای:

«قرار داد استفاده از رحم جایگزین، توافقی است که بر پایه آن، زنی (مادر جانشین) می پذیرد تا با روش های کمکی تولید مثل و استفاده از اسپرم و تخمک زوجین طرف توافق (والدین حکمی) که در آزمایشگاه بارور شده یا به جنین تبدیل شده، باردار شود و در حالی که ارتباط ژنتیکی با فرزند ندارد، فرزند ناشی از آن تخمک بارور شده یا به جنین تبدیل شده را حمل کند در قبال پرداخت هزینه ای قراردادی و پس از تولد، او را به زوج طرف توافق (والدین حکمی) تحویل دهد.» در تعریف عقد اجاره می خوانیم: «اجاره عقدی است که به موجب آن مستأجر مالک منافع عین مستأجره می شود اجاره دهنده را موجر و اجاره کننده را مستأجر و مورد اجاره را عین مستأجره می گویند.» اما در قرارداد رحم اجاره ای نمی توان گفت زوجین متقاضی فرزند، مالک منافع رحم زن دیگری می شوند.

مقدمه:

یکی از امور فطری انسان ها، میل به داشتن فرزند و ادامه نسل است، اما برخی از زوج ها از نعمت باروری بی بهره هستند و از این موضوع رنج می برند. ناباروری باعث سردی بسیاری از زندگی ها و حتی منجر به جدایی برخی زوج ها می شود. این روزها خیلی از زوجین مشکلات باروری دارند. از این رو انسان ها همواره در پی یافتن راه حلی برای مشکلات ناباروری بوده و به روش های مختلفی متوسل شده اند یکی از این راه ها (رحم اجاره ای) است که برای زوج هایی که به دلیلی توانایی باردار شدن را نداشته باشند و یا زن نتواند در رحم خود جنین را پرورش دهد طی یک قرارداد با پرداخت هزینه ای از فرد سوم برای این کار کمک می گیرند.



برخی از کشور ها از جمله بلژیک، هلند، کانادا و استرالیا به جز ایالت کواینسلند با وضع قوانین و مقررات ویژه ای جایگزینی رحم را مجاز شمرده اند. آمریکا از پیشگامان وضع قانون در این زمینه است و تقریباً در نیمی از ایالات آن قوانین مدون اما غیر یک نواختی وجود دارد اما برخی ایالات این روش را نپذیرفته اند. با این حال هنوز در بسیاری از کشور ها قانونگذار تصمیم خاصی اتخاذ نکرده است، از این جمله می توان از فنلاند، یونان، ایرلند و ایران نام برد. کشور هایی همچون اتریش، آلمان، سوئد و نروژ استفاده از رحم جایگزین را غیر قانونی می دانند.

ایران علی رغم اینکه اقدامات درمان ناباروری را با تاخیر ده ساله نسبت به ابداع روش های لقاح خارج از رحمی در دنیا آغاز نموده است فعلاً تنها کشور با اکثریت مسلمان خاورمیانه است که جایگزینی رحم در آن انجام می شود.

در میان ادیان الهی این تمایل وجود دارد که رحم جایگزین به رسمیت شناخته نشود دلیلش آنکه حق تولید مثل آن است که هر کسی فرزند خود را به دنیا بیاورد و پرورش دهد. در دین اسلام فقهای اهل سنت بیشتر بر حرمت استفاده از لقاح خارج از رحم و همچنین رحم جایگزین رای داده اند و به ظاهر دلیل آنان این است که نیازی به لقاح خارج از رحم نیست و می توان همسر دیگری اتخاذ کنند و صاحب فرزند شوند. در میان فقهای شیعه برخی مخالفت کرده و برخی موافقت نموده اند. در حقوق ایران موضوع رحم جایگزین مشمول قانون خاصی نیست و همانند فنلاند، یونان و ایرلند بدون اینکه قانون خاصی برای آن وجود داشته باشد این شیوه باروری مورد استفاده قرار می گیرد.

در حالت بارداری به روش رحم اجاره ای رابطه توارث بین کودک و پدر حکمی (صاحب اسپرم) برقرار است. رابطه توارث بین مادر و کودک کمی پیچیده تر است. اما اصل بر این است مادر شخص (صاحب تخمک) است نه مادر جانشین (صاحب رحم) و از آنجا که در حقوق اسلام فرزند خواندگی وجود ندارد و آثار حقوقی مربوط به نسب بر فرزند خواندگی بار نمی شود، همین حکم در مورد رحم جایگزین نیز استنباط می شود.

زوجینی که متقاضی جنین هستند نسبت به طفل متولد شده تکالیف و وظایفی دارند: مطابق ماده ۳ قانون اهدای جنین به زوجین با وجود اینکه جنین در رحم زن دیگری که قابلیت بچه دار شدن را دارد جایگزین می شود، نوزاد متولد شده ویژگی های ژنتیکی پدر و مادر خود را به ارث می برد؛ پس وظایف و تکالیف زوجین نسبت به طفل متولد شده از لحاظ نگهداری، تربیت، نفقه، احترام و... مانند وظایف و تکالیف والدینی است که عادی و بدون احتیاج به رحم جایگزین، دارای فرزند شده اند.

در خصوص رحم اجاره ای قانون مشخصی وجود ندارد که دقیقاً ناظر بر این امر باشد اما در سال ۱۳۸۲ در خصوص اهدای جنین در مجلس شورای اسلامی قانونی به تصویب رسید که می توان از آن در امر رحم اجاره ای نیز بهره برد. همچنین در خصوص تنظیم قرارداد، ماده ۱۰ قانون مدنی راه گشا خواهد بود که مقرر کرده است قرارداد های خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد کرده اند در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد نافذ است و مخالف صریحی با قرارداد رحم جایگزین وجود ندارد و همچنین بنا بر اصل صحت ماده ۲۲۳ قانون مدنی قرارداد مزبور صحیح شمرده می شود. به علاوه ماده ۲۱۹ قانون مدنی عقود را که بر طبق قانون واقع شده باشد بین متعاملین و قائم مقام آنها لازم و صحیح می شمارد.



طرفین اصلی قرارداد چه کسانی هستند؟

رحم جایگزین زوج نابارور و مادر جانشین هستند و اشخاص حقیقی یا حقوقی دیگری که به نحوی با این قرارداد مرتبط اند عبارتند از : شوهر زن جایگزین (که اجازه او نیز برای انعقاد قرارداد لازم است)، پزشک متخصص ناباروری و بیمارستان محل تولد. این قرارداد یک عقد لازم و رضایی و از گروه عهدهی است و ممکن است از نوع عقود معوض یا غیر معوض (عاریه) باشد. همچنین در شمار عقود مسامحه ای قرار دارد. با توجه به اینکه قرارداد های رحم جایگزین مانند سایر عقود در اثر توافق دو اراده به وجود می آید، قواعد عمومی قرارداد ها بر آن حاکم می باشد.

البته شاید به ذهنتان خطور کند در سال ۱۳۸۳ قانونی تحت عنوان «نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور» تصویب شد. در ماده ۱ این قانون آنچه مجاز شمرده شده این است که جنین های حاصل از تلقیح خارج از رحم زوج های قانونی به رحم زنانی که پس از ازدواج و اقدامات پزشکی ناباروریشان اثبات شود، اهدا و انتقال داده شود.

به دلیل سکوت قانون ما می توانیم به اصل ۱۶۷ قانون اساسی مراجعه کنیم. اما کمک چندانی به ما نمی کند زیرا به دلیل تازه بودن رحم جایگزین متن صریحی در آیات و روایات در این خصوص وجود ندارد و قواعد فقهی هم موجب دو برداشت شده برخی موافق و برخی مخالفند. قرارداد رحم جایگزین قراردادی است که طبق آن زنی توافق می کند تا با استفاده از روش های کمکی تولید مثل و با استفاده از اسپرم و تخمک والدین حکمی که در رحم یا در محیط آزمایشگاه بارور شده و به جنین تبدیل شده، باردار گردد و پس از سپری شدن مدت حمل و وضع آن، کودک متولد شده را به زوج طرف توافق تحویل دهد. در مقابل والدین حکمی نیز متعهد می شوند که بسته به نوع قرارداد، نسبت به پرداخت هزینه ها و حق الزحمه مادر جانشین و ایفای تعهدات مربوط، مبادرت ورزند. از آنجایی که این گونه قرارداد ها با حقوق مربوط به شخصیت انسان ارتباط کامل دارند، نباید با قواعد مربوط به حقوق و قرارداد های شخصیت انسانی معارض باشد.





نشست با اعضاء هیئت علمی



دکتر مصطفی محسنی ثانی

عضو هیئت علمی دانشگاه

مصاحبه گر: یکتا طیبی
تدوین: زهرا سادات محسنی موسوی
دانشجوی کارشناسی حقوق

سوابق تحصیلی:

موسسه/دانشگاه: دانشگاه دولتی شیراز	گرایش: حقوق	کارشناسی
موسسه/دانشگاه: دانشگاه آزاد واحد تهران	گرایش: حقوق عمومی	کارشناسی ارشد
موسسه/دانشگاه: دانشگاه علامه طباطبائی	گرایش: حقوق عمومی	دکتری

سوابق شغلی:

۱: کارشناس حقوقی دیوان محاسبات کل کشور تهران
۲: مشاور حقوقی موسسه محک خراسان رضوی-مشهد
۳: مدیر روابط عمومی دانشگاه بین المللی امام رضا(ع) خراسان رضوی-مشهد
۴: مدیر حقوقی دانشگاه بین المللی امام رضا(ع) خراسان رضوی-مشهد
۵: نماینده و مدیر دفتر ارتباطات دانشگاه بین المللی امام رضا(ع) خراسان رضوی-مشهد
۶: مدیرگروه حقوق دانشگاه بین المللی امام رضا (ع) خراسان رضوی -مشهد



مصاحبه:

۱: از نظر حضرتعالی ارتباط سازی و شبکه سازی چه تاثیری در آینده دانشجویان حقوق دارد؟ راه های ارتباط سازی به چه نحوی می باشد؟

همان طور که می دانید قواعد و مقررات حقوقی در جمع و جامعه به وجود می آید، اگر جامعه ای وجود نداشته باشد قواعد حقوقی هم وجود نخواهد داشت. رشته حقوق یکی از رشته هایی است که معطوف به ارتباط و حضور در جامعه است و افراد باید نقش موثری در جامعه داشته باشند تا بتوانند در تعاملات مردم با یکدیگر تاثیر گذار باشند. یکی از افرادی که مردم آنها را محرم خودشان می دانند قضات و وکلا هستند، کسانی که سعی می کنند با دانش و توانایی خودشان بخشی از مشکلات و معضلات مردم را حل نمایند. بحث قضات، بحثی است که ما چه بخواهیم و چه نخواهیم خواسته ما به آنها ارجاع می شود و از اختیار ما خارج است که در مقام حل اختلاف، پرونده ما پیش کدام قاضی مطرح بشود اما می توانیم انتخاب نماییم که پیش چه وکیلی برویم. در نتیجه یکی از مهم ترین موضوعاتی که در رشته حقوق مهم می باشد این است که افراد به گونه ای شناخته شوند که زمانی که وارد بازار کار می شوند دیگران آنها را بشناسند و به آنها اعتماد داشته باشند و به دانش و توانایی هایشان آگاه باشند. این موضوع زمانی تحقق می یابد که افراد طی فعالیت های اجتماعی که انجام دادند از طرق مختلفی همچون دانشگاه و انجمن های علمی بخشی از شبکه اطلاع رسانی خودشان و یا شبکه اطلاع رسانی دوستانشان را گسترش می دهند. همچنین لازم به ذکر است اگر ارتباطات با اساتیدتان بهتر شود بر اساس شناختی که از شما دارند در محیط کار شما را به عنوان فردی که می تواند کار را انجام دهد معرفی می نمایند یا در محیط قضایی با اساتیدی که کار قضاوت را انجام می دهند بتوانید ارتباط بهتری بگیرید و از مشورت ها استفاده نمایید. در نتیجه تا زمانی که فردی در این زمینه می خواهد فعالیت کند قدرت ارتباط گیری و فنون مذاکره اش را تقویت نکند، خیلی نمی تواند در رشته مذکور موفق باشد.

۲: فعالیت دانشجویان در انجمن را مفید می دانید یا زیان بار؟ در چه صورتی زیان بار است و به تحصیل و درس آسیب می رساند و در چه صورتی باعث پیشرفت می شود؟

به طور کلی فعالیت های جانبی یا فعالیت های اجتماعی نفعشان بیشتر از ضررشان است، بدین صورت که اگر انسان در محیط های جامعه، فعالیت های اجتماعی انجام بدهد که مطابق با ضوابط و مقررات باشد، مورد تایید هنجار های دانشگاهی و جامعه نیز می باشد و نفع شان بیشتر از ضررهایی است که ممکن است برای شخص داشته باشد. در رابطه با فعالیت های انجمن علمی همان گونه که از اسم آنها پیدا می باشد یعنی در محیطی کار می کنیم که در راستای تقویت بنیه علمی است. یک زمان هست به عنوان مثال می گوئیم ما جزء انجمن ورزشی هستیم یا انجمن هنری و...، این موضوع یک مقداری موجب این می گردد که از تایم مباحث علمی غافل شویم و مجبور به فاصله گرفتن هستیم ولیکن انجمن علمی یکی از مهم ترین ویژگی هایش این است که تقویت بنیه علمی می کند و نمی توانیم بگوئیم افرادی که در انجمن علمی فعالیت می کنند از لحاظ علمی عقب می افتند، اتفاقاً در فهم بهتر مطالب درسیشان تقویت می شوند. خواه یا ناخواه همه ی چیزهایی که مفید هستند اگر خوب و درست استفاده نشوند برای انسان ها خطر ایجاد می کنند به همین دلیل فعالیت های اجتماعی نیز، باید مدیریت شده و با برنامه انجام بشود تا بر اساس آن چیزی که برنامه ریزی کرده اید تایم مشخصی را به فعالیت های اجتماعی و مابقی را به هدف اصلی اختصاص بدهید.

۳: چه نصیحت یا سخنی به دانشجویان حقوق دارید؟
واقعیت این است که خودم را در جایگاهی نمی بینم که بخواهم نصیحت کنم، به عنوان فردی که تقریباً حدود بیست و چند سال در محیط دانشگاه فعالیت می کند، دوران کارشناسی را طلایی ترین دوران زندگی افراد می دانم و توصیه بنده این است که از این دوران بیشترین بهره را ببرید. همچنین دانشجویان خودشان را به مطالب درسی محدود نکنند و علاوه بر فراگیری علم در کنار آن به آشنایی با محیط های دیگر و دوره هایی همچون زبان انگلیسی، آشنایی با کامپیوتر، نرم افزار ها، نحوه کار با هوش مصنوعی بپردازند زیرا روزرسانی در کنار فراگیری مطالب نقش بسزایی در موفقیت و آینده خواهد داشت.

۴: در آخر بفرمائید راز موفقیت خود را در چه می دانید؟
از آن جایی که من خودم را همیشه نقد می کنم، این ایراد را شاید به خودم بگیرم؛ اعتقادم بر این است که باید خودمان و فعالیت هایمان را همیشه مورد بررسی قرار دهیم و به همین دلیل بیشتر خودم را نقد می کنم تا اینکه خودم را موفق بدانم اما آن چیزی که از نظر بنده می تواند برای همه افراد تاثیرگذار باشد، تلاش است، به این معنا که اگر فردی به خواسته یا هدفی می خواهد دست یابد، اگر تلاش کند بی گمان به آن می رسد و بزرگترین عامل شکست ناامیدی است. تلاش کنید... نتیجه آن را خواهید دید...



دکتر احسان لطفی

عضو هیئت علمی دانشگاه

سوابق تحصیلی:

کارشناسی	گرایش: حقوق	موسسه/دانشگاه: دانشگاه فردوسی مشهد
کارشناسی ارشد	گرایش: حقوق خصوصی	موسسه/دانشگاه: دانشگاه تهران
دکتری	گرایش: حقوق خصوصی	موسسه/دانشگاه: دانشگاه تهران

سوابق شغلی:

۱: عضو کانون وکلای دادگستری خراسان رضوی
۲: مشاور حقوقی و وکیل اداره اوقاف و امور خیریه
۳: مشاوره حقوقی و وکیل موسسه فرهنگی و هنری خراسان (روزنامه خراسان)
۴: مشاور حقوقی سابق شرکت های استان قدس
۵: مشاور حقوقی و وکیل دعاوی شرکت ها
۶: همکاری با اداره سرپرستی دادگستری تهران به عنوان < امین غائب >



مصاحبه:

۱: در جایگاه هیئت علمی چه کارهایی در رابطه با ارتقاء سطح علمی دانشجویان انجام داده اید؟

دانشگاه یک مجموعه ای است که هر فردی هم از بعد آموزشی هم از بعد پرورشی یک نقشی در آن دارد. به طور کلی هر فردی در هر سیستمی یک نقشی دارد. برای بنده نیز به عنوان یکی از اعضا هیئت علمی از گروه حقوق یکسری وظایفی پیش بینی شده است. این وظایف یکسری در بعد آموزشی می باشد و یکسری در بعد پژوهشی و ابعاد فرهنگی و مسائل دیگری را نیز شامل می گردد که نقش قالب بعد پژوهشی و آموزشی است. در این راستا سعی و تلاش کرده ایم ارتباط خوبی با دانشجویان داشته باشیم و ترغیبشان کنیم و در بحث یادگیری و پژوهش به خصوص در مقاطع تحصیلات تکمیلی به آنها انگیزه بدهیم. همچنین شرایطی را فراهم آوریم تا دانشجویان بتوانند احساس بکنند که در فضاهای دانشگاه به لحاظ تعامل با استاد و سطح علمی با توجه به شرایطی که مهیا گردیده در مقابل دانشگاه های دیگری که در مشهد می باشند از جمله دانشگاه فردوسی، دانشگاه آزاد و... می توانند سری بلند کنند.

۲: نظرتان درباره بازار کار و حرفه های رشته حقوق چیست؟ دانشجویان حقوق چگونه می توانند شغل مناسب خود را پیدا نمایند؟

سعی کرده ایم در دانشگاه کارگاه ها یا نشست هایی برگزار کنیم تا دانشجویان با فضاهای کاری رشته حقوق آشنا بشوند و انگیزه ای در جهت ورود به بازار کار برای شان ایجاد گردد. خوشبختانه رشته حقوق یکی از رشته هایی است که سابقا در بین رشته های علوم انسانی و در حال حاضر در بین رشته هایی که در سطح کشور در دانشگاه ها وجود دارد به لحاظ بازار کار همچنان پتانسیل جذب را دارد هر چند که مثل سابق نیست ولیکن هنوز جای امیدواری را دارد و به نسبت بازار کار خوبی دارد. یک بخشی بر می گردد به تلاش خود دانشجویان و توانایی هایشان که در اثر درس خواندن و تلاش به وجود می آید. در سال های اول، دوم و سوم شاید دانشجویان هنوز با فضای کاری آشنا نباشند و در این سه سال اول آموزش و فراگیری است، در سال چهارم است که تصمیم می گیرند با توجه به آموخته هایی که دارند یا از طریق افرادی که در سطح دانشگاه آشنا شدند، در کدامیک از فضا های کاری وارد شوند. در حال حاضر در دوره کارشناسی وظیفه اصلی یک دانشجو درس خواندن است نه کار کردن! حتی کارهای پاره وقت، فقط درس خواندن، درس خواندن، درس خواندن.

۳: چه نصیحت یا سخنی به دانشجویان حقوق دارید؟

همانطور که قبل تر بیان شد، دانشجویان در دوره کارشناسی نباید وارد فضای کاری بشوند، بازدید ها یا کارگاه هایی که گذاشته می شود آنها متفاوت است ولیکن این مسئله که خود دانشجویان وارد فضای کاری بشوند و به دنبال درآمدزایی باشند تا جایی که ضرورت نداشته باشد لازم نمی باشد، فقط درس بخوانند و دوره کارشناسی را جدی بگیرند، وقت کافی در جهت کسب تجربه و کارآموزی هست.

۴: در آخر بفرمائید راز موفقیت خود را در چه می دانید؟

اگر بتوانیم به عنوان یک فرد موفق به بنده نگاه کنیم، به نظرم هیچ چیزی جز تلاش و هدف گذاری نبوده است و هر فردی برای اینکه فرد موفق بشود باید هدف خود را درست تعیین بکند و در حد همان هدف تلاش نماید. اگر در جایی تلاش کردید و متوجه شدید موفقیتی حاصل نگردیده، بدانید یا هدف تان را درست مشخص نکردید و یا اینکه هدف تان را درست مشخص کردید ولی تلاش تان در آن حد نبوده است.





دکتر محمد حسن امام وردی

عضو هیئت علمی دانشگاه

سوابق تحصیلی:

کارشناسی	گرایش: حقوق	موسسه/دانشگاه: دانشگاه رضوی مشهد
کارشناسی ارشد	گرایش: حقوق خصوصی	موسسه/دانشگاه: دانشگاه تهران
دکتری	گرایش: حقوق خصوصی	موسسه/دانشگاه: دانشگاه تهران

سوابق شغلی:

۱: عضو کانون وکلای دادگستری مشهد
۲: مشاور حقوقی اداره اوقاف و امور خیریه مشهد
۳: عضو کارگروه حقوقی اداره کل اوقاف و امور خیریه خراسان رضوی
۴: استادیار دانشگاه بین المللی امام رضا (ع) مشهد
۵: مدیر گروه سابق دانشگاه بین المللی امام رضا (ع)
۶: مدیر حقوقی دانشگاه بین المللی امام رضا (ع)



مصاحبه:

۱: چه مسیری را برای رسیدن به مقام هیئت علمی طی کرده اید؟

سه مقطع را گذراندم، لیسانس، فوق لیسانس و دکترا، از همان ابتدا در جهت رسیدن به سمت هیئت علمی هدف گذاری کردم. تدریس بخشی از علایق بنده بود حتی به صورتی که بر وکالت یا شغل یا پول درآوردن مقدم بود. زمانی که مشغول به تحصیل در مقطع لیسانس بودم، درس را به صورتی مطالعه می کردم که دانش خود را تقویت نمایم و پس از مقطع فوق لیسانس و دکترا بتوانم تدریس را آغاز نمایم. در گذشته زمانی که شما فوق لیسانس را می گرفتید با همان می توانستید به عنوان هیئت علمی در درجه مربی جذب شوید، با گذر زمان شرایط هیئت علمی شدن را به دانشجوی دکتری ارتقاء دادند و بعد از آن نیز شرط جدید این می باشد که باید مدرک دکتری را گرفته باشید. هرچه جلوتر می رود شرایط هم محدود تر و سخت تر می گردد. در حال حاضر ابتدا باید سه مقطع را بگذرانید سپس براساس نیازهایی که در سامانه دانشگاه اعلام می کنند درخواست بدهید و پس از آن مصاحبه علمی و عمومی دارد، در نهایت اگر تایید بگیرید جذب هیئت علمی می شوید. هیئت علمی یکی از شغل هایی است که اگر ضریب آن را بخواهیم بگیریم، بسیار درصد پایی را دارد به عنوان مثال از بین ۳۰-۲۰ نفر ممکن است فقط ۱ نفر هیئت علمی بشود. هنگامی که سخن از کار های علمی در میان می باشد شایان ذکر است که کارهای علمی دیر بازده است زیرا پس از گذراندن سه مقطع تازه وارد تدریس می شوید همچنین از لحاظ درآمد، نسبت به مشاغل دیگری که در رشته حقوق وجود دارد در آخر قرار می گیرد.

۲: این کار چه شرایطی را می طلبد و برای رسیدن به آن از چه مواردی گذشت کردید؟

هیئت علمی شدن با مشاغل دیگر متفاوت است زیرا برای وکالت می توانید حدود چهار ساعت در روز بخوانید، وقت بگذارید ولیکن برای هیئت علمی شدن این چنین نمی باشد و نیاز به وقت بیشتری دارد که به همان نسبت تفریحات و سرگرمی هایتان کاهش می یابد.

۳: چه نصیحت یا سخنی به دانشجویان حقوق دارید؟

صرف نظر از اینکه چه هدفی را انتخاب می کنید، همه مشاغل حقوقی نیاز به یک قدمتی دارد که آن، دانش شما می باشد. دانشی که بتوانید جمع آوری نمایید، تلاش کنید و وقت بگذارید. بنده همیشه به دانشجویان می گویم، زمانی که وارد دانشگاه می شوید و دانشجوی هستید صرف نظر از هدفتان باید حدود ۸ ساعت زمان را اختصاص به مطالعه بدهید و کلاس هایتان را منظم شرکت نمایید. نوع و کیفیت مطالعه هر فرد با توجه به هدفی که دارد، متفاوت است به عنوان مثال فردی که می خواهد در مقطع ارشد حقوق خصوصی شرکت کند طبیعتاً وقت بیشتری را به مطالعه دروس حقوق خصوصی اختصاص می دهد و یا فردی که می خواهد مهاجرت کند رشته حقوق بین الملل برای آن مفید تر می باشد و به همان مقدار باید برای تقویت زبان انگلیسی وقت بگذارد.

۴: در آخر بفرمائید راز موفقیت خود را چه می دانید؟

باید توجه داشت که راز موفقیت در همه جا مشترک است که آن هم چیزی جز تلاش نمی باشد، بدین معنا که اگر شخص فکر کند می تواند شانس موفقیتی را به دست آورد یا تلاش نکند و از قبل دیگران به موفقیت برسد، امکان پذیر نخواهد بود. وجه مشترک همه موفقیت ها تلاش و زحمت کشیدن است. دانشجویان می توانند از اساتید مختلف مشورت بگیرند و مجموع تجربیات آنها راه را برایشان روشن می نماید. تلاش باید بهینه و در مسیر هدفتان باشد در غیر این صورت به نتیجه مطلوب ختم نخواهد شد...



جایگاه مصلحت در قانون گذاری

مهلا نی آوران

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی



بدین ترتیب، قواعد فقهی فراوانی وجود دارد که قانونگذاری مصلحت گرایانه را نهاده می گرداند. مثل قواعد فقهی باب تعزیرات (التعزیر بما یراه الحاکم) که در فقه جزایی و حتی حکومتی نیز کاربرد دارد.

جایگاه اصل مصلحت در فقه امامیه:

با توجه به اصول و مبانی اسلامی، نمی توان تردید کرد که به دلایلی، عنصر مصلحت در فقه اهل سنت مورد توجه بوده و در عرصه های مختلف حقوقی و فقهی، نقش آفرینی داشته است. اما در فقه امامیه، تحت عنوان مصالح احکام، بحث چندانی نشده است و بیشتر فقها این مبحث را تحت عنوان (علل احکام) مطرح می کنند و عمدتاً فقهای امامیه در برابر مصلحت در پدو امر موضع منفی دارند ولی در عمل به مصلحت عمل کرده اند. ولکن اکثر فقهای امامیه، از ابتدا احکام و متعلقات احکام را پیرو مصلحت ها و مفسده های نفس الامری می دانند. به نحوی که از قدیم به مصالح توجه نموده و حتی در بسیاری از فتاوی خود از آن بهره برده اند.

جایگاه اصل مصلحت در نظام قانونگذاری جمهوری اسلامی ایران:

مطابق قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی، مرجع قانونگذاری در نظام جمهوری اسلامی ایران است. همچنین قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی، باید در چارچوب شرع مقدس اسلام و قانون اساسی باشد. در واقع نهاد شورای نگهبان تضمین کننده این امر است، که با اعلام مغایرت یا عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با قوانین شرع و قانون اساسی، به آنها اعتبار می بخشد.

مفهوم مصلحت:

مصلحت یک مفهوم گسترده و فراگیر است که با عناوین مختلفی از قبیل: منفعت، حقیقت، ضرورت، عدم مفسده، مقاصد شریعت، عرف و..... تداخل و یا هم پوشانی دارد. مصلحت در معنای لغوی، مقابل مفسده و به معنای صواب، شایستگی و صالح است. همچنین مصلحت در اصطلاح فقهی عبارت است از پاسداری از آرمان ها و مقاصد شرعی و نگهداری کردن از ارزش های اسلامی.

اصل مصلحت:

اصل مصلحت، یک اصل زیربنایی فقه اسلامی و در بردارنده روح مشترک تمام احکام است. به نحوی که امام خمینی (ره) به صراحت مصلحت را مبنای صدور احکام حکومتی می دانست تا بدانجا که جهت رعایت این اصل مهم در نظام قانونگذاری، نهاد (مجمع تشخیص مصلحت نظام) به دستور ایشان تشکیل شد. مصلحت نقشی اساسی در تشریع احکام حکومتی دارد. در واقع مصلحت دلیل احکام نمی باشد، بلکه پایه و مبانی کلیه احکام شرعی و وضعی محسوب می شود. این در مرحله جعل و وضع قوانین است، اما به هنگام اجرای قوانین، مصلحت یکی از مرجحات باب تعارض و تزاحم احکام محسوب می شود. در احکام حکومتی عمومی، مصلحت به معنای تامین و ترجیح منافع عمومی است. درواقع صدور و تنفیذ احکام حکومتی منوط به مصلحت است و در موضوع جواز حکم حکومتی، مصلحت اندیشی اخذ شده است. حاکم اسلامی در چارچوب مصلحت به جعل احکام می پردازد. در واقع مصالح مربوط به قانونگذاری اموری است که قانونگذار برای تسهیل امر قانونگذاری ناچار از رعایت آنهاست.



نقش مصلحت در اجرای مجازات:

اجرای احکام جزائی در اسلام برای حفظ مصالح و منافع عمومی جامعه و در پرتو عدالت و امنیت اجتماعی است. جامعه و امت اسلامی زمانی می تواند به سوی کمال در زمینه های مختلف پیش برود که از امنیت و عدالت برخوردار باشد و این دو امر مهم وقتی در جامعه اسلامی استقرار پیدا می کند که همه ی افراد به حق خود قانع باشند و هیچکس قصد تعدی به دین و اندیشه و جان و مال و ناموس کسی را نداشته باشد و این در صورتی محقق می شود که همگان با قانون محترمانه برخورد کنند. شرع مقدس اهتمام فراوانی بر اجرای مجازات ها دارد؛ اما با وجود تاکید های فراوان در برخی موارد بنا بر مصلحت، حد به تأخیر افتاده یا حتی اجرا نشده است. به عنوان مثال، می توان به تأخیر در اجرای حد برای مجرم باردار یا بیمار، گرم و سرد بودن هوا، مستحاضه بودن زن و... اشاره نمود. مصلحت در برخی مجازات ها مانند تعزیرات، بدون شک با توجه به خاصیت انعطاف پذیری که این دسته جرایم دارد جاری است؛ اما در مورد مجازات های معین شرعی این گونه نیست.

کلام آخر:

هدف دین اسلام، سعادت و کمال بشریت و دستیابی وی به مصالح مادی و معنوی، اجتماعی و فردی است و برای رسیدن به مصالح و کمال مذکور، در تمامی اعصار باید همه ابعاد وجودی و نیاز های انسان در نظر گرفته شود و قوانینی مطابق با نیاز و مصلحت او تدوین گردد.

منابع:

- ۱- محمودی امیررضا، میری بالاچورشری مهشید، جایگاه مصلحت در اهداف شارع در فرایند قانونگذاری، فصلنامه علمی حقوقی و مطالعات نوین، ۱۴۰۱.
- ۲- رستمی نجف آبادی حامد، واکاوی مفهوم مصلحت و کاربرد آن در مجازات های شرعی با نگاهی به قانون مجازات اسلامی، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۱۴۰۱.
- ۳- شاکری گلپایگانی طویی، محمد تقی زاده مهدیه، اصل مصلحت در نظام قانونگذاری اسلامی و تطبیق آن در حقوق خانواده با رویکردی به اندیشه های امام خمینی (س). پژوهشنامه متین، ۱۳۹۴.
- ۴- حسن پور شهرام، مفهوم مصلحت و جایگاه آن در نظام قانونگذاری جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۷۷.

قانونگذار در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز احتمال بروز اختلاف و در واقع مرجع حل اختلاف میان دو نهاد مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان را پیش بینی نکرده بود، که از اولین اختلافات میان مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان می توان به اختلاف مربوط به قانون اراضی شهری اشاره کرد. النهایه بروز این مشکلات سبب شد نهاد جدیدی به نام (مجمع تشخیص مصلحت نظام) به دستور حضرت امام خمینی (ره) شکل بگیرد. این نهاد در اصلاحات قانونی (سال ۱۳۶۸) به طور قانونی در اصل یکصد و دوازدهم قانون اساسی جای گرفت. مطابق اصل یکصد و دوازدهم قانون اساسی:

مجمع تشخیص مصلحت نظام برای تشخیص مصلحت در مواردی که مصوبه مجلس شورای اسلامی را شورای نگهبان خلاف موازین شرع و یا قانون اساسی بداند و مجلس با در نظر گرفتن مصلحت نظام، نظر شورای نگهبان را تأمین نکند و مشاوره در اموری که رهبری به آنان ارجاع می دهد و سایر وظایفی که در این قانون ذکر شده است به دستور رهبری تشکیل می شود. اعضاء ثابت و متغیر این مجمع را مقام رهبری تعیین می نماید. مقررات مربوط به مجمع توسط خود اعضاء تهیه و تصویب و به تأیید مقام رهبری خواهد رسید. بنابراین قانونگذار به محض بروز اختلاف میان مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان، تشخیص را برعهده مجمع تشخیص مصلحت نظام نهاده است.

جایگاه مصلحت در قانون مجازات اسلامی:

مصلحت در سه مقطع: جرم انگاری، مبانی مسئولیت کیفری و واکنش در برابر جرم، بر سیاست جنایی تقنینی ایران تأثیرگذار است. جرم انگاری فرایندی است که به موجب آن قانونگذار با در نظر گرفتن هنجارها و ارزش های اساسی یک جامعه، فعل یا ترک فعلی را ممنوع می کند و برای آن ضمانت اجرای کیفری وضع می کند که در حقوق ایران احکام شرعی مدنظر قرار می گیرد. در واقع قانونگذار براساس مصالح به جرم انگاری و تعیین کیفر می پردازد. به عنوان مثال، برخی مجازات ها مانند مجازات سحر و جادو که در لایحه قانون مجازات اسلامی ذکر شده بود حذف گردید. چرا که اجرای برخی کیفر ها می تواند برای جامعه مشکل ساز باشد و از جهت الزامات بین المللی عامل فشار بر نظام محسوب گردد. درواقع این موارد دال بر این است که قانونگذار در تقنین مجازات های اسلامی، به مصلحت توجه زیادی داشته است. درواقع در تقنین مجازات های حدی، فلسفه مجازات ها در عصر حاضر هم باید مورد نظر مقنن قرارگیرد و به نظر، این انعطاف پذیری در مورد مجازات های معین شرعی وجود دارد که اگر حاکم جامعه اسلامی صالح و مصلحت بداند می تواند از عنصر مصلحت و احکام ثانویه استفاده کند و مجازات های دیگری را جایگزین آنها کند. بی شک رعایت مصالح در سیاست جنایی ایران نیز موجب تحقق عدالت و اصلاح فرد و جامعه و جلب منفعت و دفع ضرر خواهد بود.



وکیل مهاجرت کیست و چه وظایفی دارد؟

زهرا مختاریان
دانشجوی کارشناسی حقوق

وکیل مهاجرت کیست؟

وکلاي مهاجرت افرادی هستند که در حال مسائل حقوقی مربوط به مهاجرت مانند اخذ تابعیت، رفع مشکلات حقوقی مربوط به مهاجرت، پرونده های اقامت، همچنین در زمینه های اخذ پذیرش از دانشگاه های خارج از کشور، درخواست برای ویزای تحصیلی، تنظیم و نگارش رزومه و درخواست برای بورسیه تخصص دارند به شما کمک می کنند. وکیل مهاجرت با دریافت وکالت از افراد متقاضی مهاجرت؛ اقدام به تشکیل پرونده و پیگیری آن نموده و از صفر تا صد امور مهاجرت موکل خود اطلاع داشته و اقدامات لازم را انجام می دهد. همچنین وکیل مهاجرت در مسیر رسیدن به وضعیت مطلوب در کنار موکل قرار دارد تا رسیدگی ها و پیگیری های موردنظر را اعمال نماید. وکیل مهاجرتی در امور مرتبط با مهاجرت با شیوه های مختلف اخذ ویزا در سایر نقاط جهان و انواع کیس ها و موضوعات مهاجرتی در موارد مختلف آشنا بوده و بهترین گزینه را برای اشخاصی است که قصد مهاجرت به سایر کشور ها را دارند.

شاید تا به حال برای شما هم سوال شده که وکیل مهاجرتی کیست و چطور می توانیم به یک وکیل مهاجرتی تبدیل شویم از آنجا که بهتر است در انتخاب هر شغل به صورت تخصصی آن را فرا بگیریم در این پژوهش سعی شده حتی المقدور شما را با وکیل مهاجرتی آشنا کنیم تا چنانچه در آینده این شغل را برگزیدید دغدغه ی کمتری داشته باشید. بر خلاف تصور عموم، وظیفه وکیل فقط حفظ حقوق مجرمان نیست. ممکن است به دلایل مختلف نیاز به تماس با یک وکیل داشته باشید. وکیل موکل خود را با توجه به شرایط هر فرد و بر اساس تجربه و اطلاعات او در زمینه مسائل حقوقی و در زمینه های مختلف راهنمایی و مشاوره می دهد. تمامی وکلا ملزم به گذراندن دوره ها و دریافت واحد های درسی در دانشگاه حقوق هستند. فارغ التحصیلان باید پس از فارغ التحصیلی در آزمون وکالت شرکت کنند. مرحله بعدی شامل تکمیل یک دوره ۱۸ ماهه است. افرادی که می توانند تمام این مراحل را طی کنند پروانه وکالت دریافت می کنند...

وکیل مهاجرت در واقع یکی از شاخه های حقوق بین الملل خصوصی است که به موضوعات اخذ تابعیت، اقامت، روادید و امثال آن پرداخته است. در کشور ایران این موضوعات ابتدا در قانون مدنی از ماده ۹۷۶ به بعد، به عنوان (کتاب تابعیت) مطرح گردیده است. البته قوانین دیگری متعاقباً در راستای خروج ایرانیان از کشور، اخذ تابعیت و امور مرتبط با اقامت مصوب گردید. در این خصوص به بررسی شغل وکیل مهاجرت، ویژگی و وظایف آنان خواهیم پرداخت.



وکلاي مهاجرت علاوه بر ارائه مشاوره در زمينه ي روش هاي مهاجرت به مقصد مورد نظر و تذکر موارد قانوني مربوط به آن، مسئوليت حمايت از حقوق موکلين خود در سفارت ساير کشور ها و دادگاه هاي بين المللي را نيز عهده دارند. براي اين کار يک وکیل مهاجرت بايد اطلاعات کامل و دقيقی از قوانين حقوقی کشور مورد نظر داشته باشد تا بتواند به خوبی از حق موکل خود دفاع کند. در واقع اين افراد وظائف سنگيني بر عهده دارند و براي موفقيت در اين مسير تنها دانستن اين موضوع که چگونه می توان وکیل مهاجرت شد، کفايت نمی کند. مسئوليت پذيری و آگاهی بالا یکی از شروط اصلي وکیل مهاجرت شدن است.

ویژگی های یک وکیل مهاجرتی معتبر:

يک وکیل مهاجرتی خوب بايد توانایی داشته باشد تا مسائل پیچیده را به زبانی ساده و قابل فهم برای مراجعه کنندگان خود توضیح دهد. اين امر بسیار مهم است زیرا مراجعه کنندگان احتمالا مجبورند تصمیمات مهمی درباره پرونده هایشان بگیرند و بدون فهم کامل اطلاعات، نمی توانند تصمیمات درستی بگیرند. بنابراین، وکیل مهاجرتی بايد توانایی داشته باشد تا مراجعه کنندگان خود را متقاعد کند و آنها را در فرآیند مهاجرتی یاری دهد. در مواجهه با چالش های مختلف، وکیل بايد توانایی داشته باشد تا به سوالات و نیازهای همکارانش پاسخ دهد و در مذاکرات مؤثری شرکت کند. به طور کلی، مهارت های ارتباطی کتبی و شفاهی يک وکیل مهاجرتی بسیار حائز اهمیت است و توانایی ایجاد ارتباط مؤثر با مشتریان و ساير متخصصان را بايد در نظر داشت.

- در دسترس و ارتباط بودن

وجود يک وکیل مهاجرت در دسترس شما در طول مسير مهاجرتی، بسیار اهمیت دارد. اگر چه وکیل مهاجرت نمی تواند در هر لحظه در دسترس شما باشد، اما شما حق دارید که در صورت نیاز به او مراجعه کنید. وقتی با موقعیت اضطراری روبرو می شوید، وکیل بايد بتواند به سرعت به وضعیت شما پاسخ دهد و راهنمایی لازم را ارائه کند. همچنین، در طول مسير مهاجرت و همراه بودن با وکیل مهاجرتی، بايد بتوانید به وکیل خود سؤالاتتان را مطرح کنید، با او مشورت کنید و اطمینان حاصل کنید که پرونده شما در حال پیگیری است.

- تخصص در حوزه مهاجرت

قوانين و مقررات مهاجرتی در هر کشوری متفاوت هستند و وکیل مهاجرت به ترکیه بايد دارای تخصص و تجربه کافی در زمینه حقوق مهاجرت و مقررات مرتبط با آن باشد. تسلط به قوانين و مقررات مهاجرتی، از جمله نقاط قوت او است.

- آشنایی با زبان ها و فرهنگ ها

وکیل، بايد به خوبی با زبان های مختلف کاربردی کشور ها آشنا باشد. همچنین، آگاهی از فرهنگ ها و آداب و رسوم مردم کشور مورد نظر نیز می تواند در راهنمایی مهاجران بسیار مفید واقع شود.

- اخلاق حرفه ای

اخلاق حرفه ای و احترام به حریم شخصی و مشتریان از جمله ویژگی های بسیار مهم يک وکیل است. انتخاب يک وکیل با رویکرد حرفه ای و انسان دوستانه، مطمئن ترین راه برای مواجهه با مشکلات مهاجرتی است.

- دارای مجوز معتبر برای انجام امور حقوق

وکیل مهاجرتی بايد با قوانين سفارتخانه ها و قوانين کشور های مختلف آشنا باشد و در هر زمانی که اين قوانين به روزرسانی می شوند، خود را نيز با آنها به روز کند و از جدید ترین اطلاعات برای پرونده های خود استفاده کند.

- تجربه پرونده های مهاجرتی

وکیل مهاجرتی بايد تجربه کافی در امور مهاجرت داشته باشد تا بتواند به صورت کارآمد و سودمندی به مشکلات شما پاسخ دهد. همچنین برای اطمینان از اینکه پرونده شما به بهترین شکل ممکن پیش می رود، بايد از متخصصان مهاجرتی با تجربه و دارای مجوز قانونی استفاده کنید. وکیل مهاجرت موفق بايد تجربه کاری معتبر و اثبات پذیر در ارائه خدمات حقوق مهاجرت داشته باشد. انتخاب يک وکیل مهاجرت که در اين حوزه تخصص نداشته باشد، ممکن است شانس موفقیت شما را کاهش دهد.

- مهارت های ارتباطی قوی

مهاجرت و تنظیمات حقوقی مربوط به آن می تواند برای هر فردی چالش بر انگیز باشد. اما برای کسانی که به دنبال مهاجرت هستند و با امور اداری و قوانين مربوط به آن آشنایی کافی ندارند، اين موضوع به يک مسئله بسیار پیچیده و سردرگم کننده تبدیل می شود. در اين حالت، داشتن يک وکیل مهاجرتی با مهارت های ارتباطی قوی بسیار ضروری است. يک وکیل مهاجرتی بايد توانایی حفظ ارتباط با وکلا و متخصصان دیگر را داشته باشد، زیرا اين ارتباطات می تواند به افزایش دانش و آگاهی او از قوانين و مقررات جدید مهاجرتی در هر کشور کمک کنند. همچنین، ارتباطات گسترده با وکلای دیگر می تواند تجربه وکیل را بهبود بخشد و به او در انجام بهتر کار کمک کند.



- کسانی که دانش و توانایی لازم برای اقدام را ندارند.
- کسانی که سواد کار یا اینترنت و انجام مراحل آنلاین مهاجرت را ندارند یا کسی را ندارند برایشان این کار را بکنند.
- کسانی که وقت و حوصله کاغذ بازی ها و پیگیری روند مهاجرت را ندارند.

آیا وجه تمایزی میان وکیل مهاجرتی و مشاور مهاجرت وجود دارد؟

پاسخ بر این است که بله؛ وکیل مهاجرت به شخصی گفته می شود که دارای مدرک حقوق و دارای مجوز رسمی و معتبر قانونی می باشد. همچنین این وکیل باید دارای مجوز رسمی و قانونی برای رسیدگی به پرونده های مهاجرتی در سطح بین المللی باشد. به عبارتی مهم ترین ویژگی وکیل مهاجرت داشتن مجوز رسمی مهاجرت است. این مجوز باید هم برای یک فرد و هم برای موسسه صادر شود. مشاور مهاجرت به فردی گفته می شود که علاوه بر تحصیل در رشته حقوق اطلاعات به روز و دقیقی در مورد مهاجرت داشته باشد. مشاوره حقوقی مهاجرت اطلاعات خود را به روز می کند و در مورد کلیه قوانین مهاجرت و رویدادهای مهم جهان اطلاعات جامع برخوردار است. ویژگی و مسئولیت مشاوره مهاجرت که او را از یک وکیل مهاجرت متمایز می دارد عبارتند از: بسته به شرایط متقاضی بهترین روش های مهاجرت را در نظر می گیرد.

• آشنایی و تسلط کامل به شرایط و مقررات مهاجرت کشور مقصد

- ارسال مدارک مورد نیاز برای مهاجرت با توجه به کشور مقصد
 - آشنایی متقاضی با کلیه روش های مهاجرتی و اخذ ویزا
 - ارائه راه های قانونی مهاجرت به کشور مورد نظر
- در این میان سوالی که طرح می شود این است که آیا می توان بدون داشتن وکیل، مهاجرت کرد؟

آمار ها نشان می دهد این امکان وجود دارد اما درصد کمتری از تعداد پرونده هایی که فاقد وکیل مهاجرتی هستند موفق به تکمیل فرایند می شوند زیرا یک وکیل مهاجرت با تجربه، تفاوت های ظریف در قانون را درک می کند و اینکه چگونه تغییرات ممکن است بر شرایط شخصی شما تأثیر بگذارد را می داند. نکته ی قابل توجه ای که در خصوص وکیل مهاجرتی وجود دارد این است که کشور ایران وکیلی تحت عنوان وکیل مهاجرتی ندارد. اما بر اساس قانون وکالت، کلیه وکلای دادگستری صلاحیت و توانایی مشاوره دادن در زمینه های حقوقی را دارند. در واقع تمامی موارد حقوقی در خصوص حقوق بین الملل در دانشگاه به این افراد تدریس می شود و وکلا می توانند در رابطه با مسائل حقوق بین الملل مانند اخذ ویزا، پذیرش تحصیلی، گرین کارت، ازدواج با اتباع بیگانه و دیگر مسائل به افراد مشورت دهند.

سخن پایانی

شغل وکالت در امور مهاجرتی می تواند برای افرادی که به حقوق بین الملل علاقه دارند مناسب باشد زیرا در این شغل شما باید با قوانین و مقررات سایر کشور ها آشنا باشید تا بتوانید به موکل خود کمک کنید هر چه با قوانین و مقررات آشنایی بیشتری داشته باشید در کار خود موفق تر می شوید پس این امر مستلزم فراگیری کامل قوانین بین المللی و همچنین قوانین کشور های مختلف است.

مهم ترین وظایف وکیل مهاجرتی به شرح زیر است :

وکیل مهاجرتی می بایست یک قرارداد شفاف و مشخص با متقاضی مهاجرت منعقد کند که در آن، کلیه اقداماتی که وکیل مهاجرت می خواهد به وکالت از شخص آنها را انجام دهد، تعیین شده باشد. نیاز است که حین امضای قرارداد مهاجرتی میان شخص و وکیل مهاجرت، مفاد قرارداد به صورت دقیق مطالعه شده و از اینکه اقدامات درج شده در قرارداد مدنظر متقاضی مهاجرت هست یا خیر، اطلاع حاصل شود؛ ممکن است که شخص قصد داشته باشد صرفاً از طریق پذیرش تحصیلی در دانشگاه خاصی مهاجرت نماید. وظیفه وکیل مهاجرت این است که تمامی اقدامات حقوقی، اداری و تشریفاتی مربوط به اخذ پذیرش مهاجرت را انجام دهد؛ به صورتی که در هیچ مرحله ای نیازی به انجام اقدامات دیگری توسط موکل نباشد. همچنین موظف است صرفاً در چارچوب قرارداد مهاجرتی منعقد اقدام نماید و صرفاً هزینه هایی که برای انجام مهاجرت لازم است را انجام داده و هزینه اضافه تری از موکل خود مطالبه ننماید. علاوه بر آن وظیفه دارد موکل را از تمامی اقداماتی که در خصوص دریافت پذیرش جهت مهاجرت موکل انجام داده مطلع نماید و در تمامی اقدامات خود، طبق مصلحت موکل رفتار کند و اگر تخلفی در این زمینه انجام شد، موکل می تواند از وکیل خویش شکایت کند. هر چند وکیل مهاجرتی نمی تواند به صورت صد در صد تضمین نماید که برای شخص متقاضی، پذیرش مهاجرتی اخذ می کند، اما می بایست تمامی تلاش خود را انجام بدهد تا نتایج مورد درخواست موکل خود را کسب نماید و در این مسیر نباید از هیچ گونه تلاشی فروگذار نماید. به ارائه مشاوره در خصوص مهاجرت می پردازد، لازم است که اطلاعات صحیح و قانونی در صورتی هم که وکیل مهاجرتی صرفاً به متقاضی ارائه نموده و آخرین روش ها و اقداماتی که برای مهاجرت ضروری هستند را برای موکل خود شرح دهد تا با توجه به اطلاعات ارائه شده توسط موکل، اقدامات مورد نیاز را انجام بدهد.

چه کسانی باید حتماً وکیل مهاجرتی بگیرند؟

شرایط بعضی افراد حساس است و بهتر است در این شرایط به سراغ یک وکیل یا مشاور بروند. لیست زیر جزو این افراد هستند:

- کسانی که سابقه ریجکت شدن ویزا را دارند.
- کسانی که سوء پیشینه دارند.
- کسانی که با تأخیر زیاد، هنوز ویزایشان نیامده.
- کسانی که روش مهاجرتی آن ها نرخ ریجکتی بالایی دارد.
- کسانی که کارفرما هستند و قصد استخدام نیروی کار مهاجر دارند.



بررسی عسر و حرج زوجه

فاطمه بیضایی
دانشجوی کارشناسی حقوق

عسر و حرج چیست؟

عسر و حرج یکی از قواعد فقهی است و به معنای سختی و مشقت در زندگی است برای مثال روزه گرفتن بیمار موجب سختی اوست در اینجا روزه گرفتن بر مبنای این قاعده فقهی از دوش فرد بیمار برداشته می شود این مثال را مطرح کردیم که بگوییم عسر و حرج فقط در باب طلاق گرفتن مصداق ندارد همان طور که گفتیم این قاعده در روابط زوجیت نیز قابل اعمال است و قانونگذار به واسطه عسر و حرج اجازه داده است با وجود اینکه عقد ازدواج پابندی و تعهد برای زوجین ایجاد می کند در صورتی که شرایطی به وجود بیاید که تحمل زندگی مشترک و دوام آن مشقت فراوانی برای زوجه ایجاد کند به گونه ای که تحمل آن مشکل باشد از این قاعده استفاده کند و از همسر خود طلاق بگیرد.

بررسی تبصره ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی:

در تبصره ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی، قانونگذار تعریفی از عسر و حرج و مصادیق آن ذکر کرده است که طبق تبصره این ماده می خوانیم: «عسر و حرج موضوع این ماده عبارت است از به وجود آمدن وضعیتی که ادامه زندگی را برای زوجه با مشقت همراه ساخته و تحمل آن مشکل باشد و موارد ذیل در صورت احراز توسط دادگاه صالح از مصادیق عسر و حرج محسوب می گردد:

۱- ترک زندگی خانوادگی توسط زوج حداقل به مدت شش ماه متوالی و یا نه ماه متناوب در مدت یک سال بدون عذر موجه.

نفی عسر و حرج، یکی از مهم ترین قواعد فقهی دین اسلام است که در موارد مختلفی، می توان به آن استناد نمود؛ اما یکی از مهم ترین کاربردهای استناد به مفهوم عسر و حرج، در پرونده های طلاق است در واقع، از آن جهت که حق طلاق با مرد است، زنان، تنها در برخی موارد خاص که قانونگذار پیش بینی نموده است، می توانند درخواست طلاق نمایند که یکی از این موارد طلاق به واسطه عسر و حرج است. با این حال، از آن جهت که زنان، برای درخواست طلاق به استناد عسر و حرج، ابتدا باید این موضوع را اثبات نمایند، پرداختن به این موضوع، ضروری است که تعریف عسر و حرج چیست چه شرایطی دارد و به چه نحوی می توان آن را در دادگاه اثبات نمود.

بررسی عسر و حرج زوج و تبصره ماده ۱۱۳۰ ق.م.:

ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی به زوجه اجازه داده است در مواردی که عسر و حرج وجود دارد با مراجعه به حاکم و اثبات حالت عسر و حرج، درخواست طلاق نماید. عام بودن این ماده برای زن این امکان را قرار داده که بدون توجه به مبنای ایجاد عسر و حرج، با اثبات علت موجب سختی و تنگی، خود را از علقه زوجیت رها سازد. اما باید توجه داشت که اگر چه عام بودن ماده موضوع مورد بحث از مزایای مهم آن است، اما این قضیه از سوی دیگر موجب سلیقه ای شدن کاربرد آن گردیده است. ایجاد و توسعه رویه قضایی در زمینه این ماده، تبیین مفهوم عسر و حرج و آموزش آن به قضات و همچنین به کارگیری قضات زن به طور الزامی در دادگاه های خانواده، شاید تا حدی موجب رفع مشکلات اجرایی این ماده شود.



اما این مانع از آن نیست که در تشخیص تنگی و مشقت به عرف مراجعه ننمایم. دکتر کاتوزیان در این رابطه می گویند مالک تشخیص درجه ای که زن نمی تواند زندگانی زناشویی را ادامه دهد به نظر عرف می باشد که در هر مورد با در نظر گرفتن وضعیت روحی، اخلاقی، اجتماعی زوجین و همچنین وضعیت محیط از حیث زمان و مکان آن را تعیین می نماید.

۳-دائم بودن رابطه زوجیت: هیچ تردیدی نیست که با توجه به اختصاص طلاق به نکاح دائم اعمال ماده ۱۱۳۰ ق. م محدود به عقد نکاح دائم است اما سوالی که اینجا مطرح است این هست که در نکاح موقت زن می تواند در موارد عسر و حرج برای رهایی از دادگاه الزام شوهر به بذل مدت را بخواهد؟ با وجود اینکه ماده ۱۱۳۰ ق.م با ذکر واژه طلاق حکم آن را مختص عقد نکاح دائم نموده است اما با توجه به اصل ۱۶۷ قانون اساسی و ماده ۳ ق.آ.د.م دادگاه می تواند با مراجعه به عمومات که همان قاعده نفی عسر و حرج است به الزام زوج به بذل بقیه مدت اقدام نماید.

۴-زن در اثبات عسر و حرج مدعی است در نتیجه خود او باید تمام ارکان آن را در دادگاه ثابت کند.

۲-اعتیاد زوج به یکی از انواع مواد مخدر و یا ابتلاء وی به مشروبات الکلی که به اساس زندگی خانوادگی خلل وارد آورد و امتناع یا عدم امکان الزام وی به ترک آن در مدتی که به تشخیص پزشک برای ترک اعتیاد لازم بوده است. در صورتی که زوج به تعهد خود عمل ننماید و یا پس از ترک، مجدداً به موارد مذکور روی آورد، بنا به درخواست زوجه، طلاق انجام خواهد شد.

۳-محکومیت قطعی زوج به حبس پنج سال یا بیشتر.

۴-ضرب و شتم یا هر گونه سوء رفتار مستمر زوج که عرفاً با توجه به وضعیت زوجه قابل تحمل نباشد.

۵-ابتلاء زوج به بیماری های صعب العلاج روانی یا ساری یا هر عارضه صعب العلاج دیگری که زندگی مشترک را مختل نماید.

[موارد مندرج در این ماده مانع از آن نیست که دادگاه در سایر مواردی که عسر و حرج زن در دادگاه احراز شود، حکم طلاق صادر نماید.] از آنجایی که عسر و حرج دارای مفهومی عرفی است و قانونگذار به ذکر مصادیق تمثیلی آن در قانون پرداخته است علاوه بر این موارد دادگاه ها این حق را خواهند داشت در موارد دیگری که برای زوجه سخت و عادتاً غیرقابل تحمل باشد آن را از مصادیق عسر و حرج دانسته و او را مطلقه نمایند.

شرایط اجرا و محدوده اعمال ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی:

۱-سببی که زندگی زناشویی را سخت و دشوار کرده باید هنگام طرح دعوای طلاق و صدور حکم موجود باشد.

۲-ضابطه تشخیص عسر و حرج زوجه معیار شخصی است که باتوجه به وضعیت مادی، روحی و روانی زوجه احراز می گردد.

مصادیق عسر و حرج:

الف) عوامل طبیعی یا حقیقی:

۱-مانند اعتیاد که با تغییر وضعیت طبیعی و ارگانیکی شخص، جسم و روح او را تغییر داده و شرایط بنیادین زمان عقد را از بین می برد.

۲-عقیم بودن مرد: از آنجایی که تولد از جمله مهم ترین اهداف نکاح است و هر دختری به امید مادر شدن ازدواج می کند لذا حسرت و غم مداوم ناشی از مادر نشدن می تواند او را دچار عسر و حرج نماید و زندگی زناشویی را بی هدف و تحمل ناپذیر کند.

۳-جلوگیری از بچه دار شدن: در صورتی که مرد، به صورت غیرمنطقی مانع از بچه دار شدن زن گردد به دلیل اینکه از نظر نتیجه مانند موردی است که عقیم بودن امکان بچه دار شدن را از بین می برد جلوگیری از بچه دار شدن نیز می تواند از مصادیق عسر و حرج باشد.





ب) عوامل خارجی و واقعی:

۱- حبس طولانی: دوری زوج از زوجه، در مدت طولانی با فلسفه یک زندگی مشترک منافات داشته و برای زوجه مشقت آور خواهد بود.

۲- غیبت طولانی و ترک خانواده: این موضوع نیز به منزله فراموشی تعهداتی است که یک مرد با ازدواج به آن، باید پایبند باشد. لذا این موضوع در جایی که به صورت عمدی اتفاق بیوفتد، از حساسیت بیشتری برخوردار خواهد بود.

ج) عوامل شخصی:

۱- استنکاف از پرداخت نفقه: از جمله حقوقی که زنان در پیوند زناشویی استحقاق آن را پیدا می کنند حق دریافت نفقه است اگر طبق ماده ۱۱۲۹ قانون مدنی، مردی مرتکب ترک نفقه گردد، زن به استناد این ماده می تواند، از دادگاه تقاضای طلاق نماید؛ اما به دلیل اهمیت پرداخت نفقه از سوی مرد در صورتی که از پرداخت نفقه خودداری شود، می تواند یکی از مصادیق عسر و حرج نیز به حساب آمده و براساس آن نیز زوجه می تواند تقاضای طلاق نماید.

۲- سوء معاشرت: به عقیده دکتر کاتوزیان تمام کارهایی که از نظر اجتماعی توهین محسوب می شود و با عشق و محبت و همدلی بین زوجین تضاد دارد سوء معاشرت محسوب می شود و ممکن است با توجه به نوع تربیت خانوادگی زوجه موجب عسر و حرج او گردد از دیگر موارد عسر و حرج می توان به رابطه نامشروع، اختلاف سنی زیاد، ازدواج مجدد بدون رضایت همسر اول، جنون در صورتی که از موارد فسخ نباشد، عدم رعایت شغل متناسب با حیثیت خانوادگی زوجه و ده ها یا صدها مورد دیگر اشاره کرد در مجموع این قانون هم برای دادگاه ها راه گشا و هم زنان را از سردرگمی قبلی بیرون آورده و تا حدودی از برخورد سلیقه ای قضات جلوگیری و آن را قانونمند نموده است و زنان با استفاده از این قاعده می توانند فقدان ناشی از اختیارات قانونی خود را در زمینه طلاق جبران نمایند. اما این نکته را نباید فراموش نمود که مصادیق عسر و حرج در زمان ها و مکان های متفاوت متغیر است و این دو عنصر در تعیین مصادیق مؤثر و مورد اجماع فقهاست.

و در آخر نتیجه می گیریم که وقتی زن در زندگی زناشویی خود به دلایلی از جمله موارد گفته شده در تبصره ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی دچار عسر و حرج می شود می تواند با استناد به قاعده نفی عسر و حرج و با اثبات دلایل خود مبنی بر عسر و حرج تقاضای طلاق خود را به دادگاه ارائه دهد و دادگاه نیز باتوجه به احراز عسر و حرج زوجه، زوج را مجبور به طلاق زوجه خود می کند، چنانچه زوج مایل به طلاق زوجه خود نبود، لذا حاکم شرع زوجه را طلاق می دهد و این پایانی است برای زوجه ای که در دوران زندگی زناشویی خود دچار عسر و حرج شده بوده است و لذا با حکم طلاق عسر و حرج وی نیز از بین می رود.

منابع:

۱. کتاب حقوق خانواده؛ دکتر ناصر کاتوزیان

۲. کتاب مختصر حقوق خانواده؛ دکتر صفایی

۳. مقاله طلاق بر مبنای عسر و حرج؛ دکتر مرتضی بهرامی

۴. مقاله نگاهی به قوانین حقوق خانواده؛ دکتر زمانی

۵. قانون مدنی

۶. مصادیق عسر و حرج در طلاق از منظر قانون و

رویه قضایی محاکم از فاطمه کریمی



معرفی فیلم

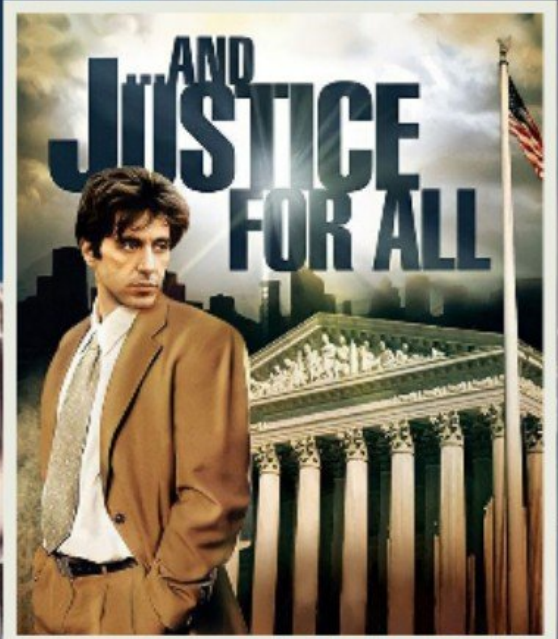
خلاصه فیلم:

وکیلی جوان به نام «آرتور کرکلند» (پاچینو) ، در کارش دچار دردهای بسیاری می شود؛ به خصوص وقتی که تصمیم می گیرد دفاع از «قاضی فلمینگ» را - به اتهام هتک حرمت - بر عهده گیرد. این فیلم چالش های مشاغل حقوقی به ویژه وکالت را به زیبایی نمایان می کند. درواقع کارگردان می خواهد نشان دهد که نقش عدالت در ذهن همه ی افراد به یک شکل نیست و برای افرادی درواقع عدالت معنایی ندارد و تنها منفعت مهم است ، همانطور که در بخشی از فیلم گفته می شود :

"حقیقت برای ما مهم نیست و فقط به چشم یک بازی به این قضیه نگاه می کنیم و هر یک از طرفین می خواهد پیروزش باشد".
همچنین در این فیلم به مخاطب یادآوری می شود که «اگر درست نباشی هیچ نیستی»

اگر درست نباشی ، اگر درست قضاوت نکنی ، اگر درست و به حق دفاع نکنی ؛ نه تنها زندگی خود بلکه زندگی و جان دیگران را هم نابود میکنی ...

قطعا این فیلم بدون نقش آفرینی آل پاچینو تا این حد محبوب نمیشد . فیلم عدالت برای همه و تلاش های وکیلی عدالت خواه به خصوص در دنیای پر از بی عدالتی امروز برای همه و یک حقوقدان ارزش دیدن دارد. فیلمی که مخاطب را در پارادوکسی قرار می دهد که آیا پیروزی وجدان مهم تر است یا پیروزی شغلی؟! و نام آن عبارتی است که ، برداشت مخاطب در ابتدا و انتهای فیلم از آن متفاوت می شود و در نهایت برای او یک علت سؤال به آخر این عبارت اضافه می شود ؛ و عدالت برای همه؟



And justice for all

عدالت برای همه:
دیالوگ :

آرتور : مفهوم عدالت چیه؟
اینکه ببینیم انسان های گناهکار، گناهکار شناخته میشن و انسان های بی گناه آزاد میشن... سادست! ولی اونقدر هم ساده نیست... وظیفه وکیل اینه که از حقوق شخص حفاظت کنه، همونطور که وظیفه دادستان هم حفاظت از قوانین حکومته ...
این یعنی عدالت برای همه فقط یه مشکل وجود داره ؛
هر دو طرف میخوان ببرن !
صرف نظر از اینکه حقیقت چیه ؟!

کارگردان : نورمن جویسن
بازیگران : آل پاچینو/ جک واردن/ جان فورسایت
ژانر : درام / حقوقی-جنایی
محصول : ۱۹۷۹ آمریکا
IMDb : ۷/۴



معرفی کتاب

نازنین بیات
دانشجوی کارشناسی حقوق

کتاب ایرادات قضایی



تألیف: رضا عموزاده مهدیرچی

انتشارات: دادگستر

مناسب دانشجویان، کارآموزان و وکلای

به همراه نمونه آراء مرتبط

در دادرسی های مدنی اثر مستقلى درباره ایرادات قضایی نوشته نشده و شرایط این نوع از ایرادات بیان نشده است. در حقیقت، کشف علل صدور قرار عدم استماع دعوا و مصادیق آنها فقط در رویه قضایی است. این نکته قابل توجه است که بسیاری از دادخواست ها به دلیل ایرادات شکلی و مواردی که از سوی محاکم قضایی پذیرفته نیست موجب عدم رسیدگی به فرایند قضایی می شود و بر زمان بر بودن رسیدگی قضایی می افزاید بنابراین مطالعه ی چنین کتابی علاوه بر رفع ایرادات قضایی به تسریع رسیدگی پرونده و خواسته ی خواهان کمک شایانی می کند. نویسنده در این کتاب با ملاحظه آرای قطعی از دادگاه های بدوی و تجدیدنظر، ملاحظه نظریات و اندیشه های حقوقی و مستند قرار دادن آنها، مصادیق فراوانی از ایرادات قضایی را شناسایی کرده است، سپس، آن ها را در چند فصل طراحی کرده و هریک را به صورت قاعده حقوقی نهادینه کرده و در هر بند نیز طرح صحیح دعاوی عاری از این نوع ایرادات را تبیین کرده است. در این کتاب، نگارنده حدود ۱۴۰ ایراد در طرح دعوی موضوع ماده ۲ قانون آیین دادرسی مدنی را به همراه تعداد زیادی از آرای محاکم حقوقی شناسایی کرده است که در ۳ فصل [ایرادات ناظر بر صلاحیت مدعی برای طرح دعوا، ایرادات ناظر بر تعیین خوانده، ایرادات ناظر بر خواسته قابل مطالعه است. در این کتاب، ضمن تجزیه و تحلیل ایرادات مذکور و بهره گیری از عقیده اساتید حقوق، نظریات اداره حقوقی و رویه قضایی و نحوه طرح صحیح این دعاوی نیز بیان شده است. نگارنده با پشتوانه تجارب قضایی و ملاحظه هزاران رأی قطعی از دادگاه های بدوی و تجدیدنظر و ملاحظه نظریات و اندیشه های حقوقی مصادیق فراوانی از این نوع ایرادات را شناسایی نموده است از شناسایی ایرادات قضایی، آنها را در چند فصل طراحی کرده و هر یک را به صورت قاعده ی حقوقی نهادینه نموده است.

نویسنده دید جامعی به نشست های قضایی و همچنین نظریات مشورتی داشته است که این خود می تواند یک ویژگی مهم برای این کتاب باشد و با ارائه این موضوع اشراف کاملی به موضوع طرح دعوا و ایراداتی که می تواند در حوزه قضایی آن وجود داشته باشد و همچنین نحوه طرح دعوا داشته باشید. کتاب دارای جلد سخت بوده و برای مطالعه مناسب می باشد. اگر ادبیات کتاب را ملاحظه بفرمایید با توجه به تسلط نویسنده بر آراء قضایی، آراء به خوبی تحلیل گردیدند و رای و بعد از آن، تحلیل رای قرار گرفته است و با استفاده از این کتاب می توانید به راحتی بر موضوعات ایرادات قضایی در طرح دعاوی حقوقی مسلط باشید. در این پژوهش نگارنده از تجارب قضایی خود بهره جسته است و در کنار بررسی ایرادات قضایی خواننده را به سوی طرح صحیح دعاوی حقوقی نیز هدایت می نماید تا از ایرادات مورد نظر در امان بماند این پژوهش دارای اهداف و ویژگی هایی است که به قرار زیر به اختصار به آنها اشاره می شود:

-رسیدگی ماهوی به دعاوی برای شناسایی ایرادات قضایی

-شیوه طراحی پژوهش

-الگوسازی و ارائه ایده تحقیقاتی

-جلوگیری از تحمیل خسارت مادی و معنوی به اصحاب دعوا

-استناد به آرای دادگاه ها با محتوای قرار و شیوه بکارگیری آن ها

-کاهش ورودی پرونده ها به دادگاه های حقوقی و کاهش نقض آرای قضایی

-رعایت حقوق اشخاص ثالث

دسترسی آسان و سریع وکلای دادگستری به مصادیق و شرایط ایرادات قضایی

تذکر مهم : مطالعه ی این کتاب به عنوان منبع آزمونی، توصیه نمی شود و بیشتر به جهت آشنایی با رویه عملی و تقویت دادخواست نویسی مطرح هست.

داستان

شماره چهارم، آذرماه ۱۴۰۳



خام روث بیدرگینزبرگ جمله معروفی دارد که با آن شناخته می شود:

« برای چیزی که برای تو مهم است بجنگ، ولی طوری بجنگ
که دیگران هم با تو همراه شوند.»